

افغانستان

گزارش شش ماه اول سال ۲۰۱۱
در مورد محافظت غیر نظامیان در منازعات مسلحانه



یوناما



هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان

کابل، افغانستان

جولای ۲۰۱۱

افغانستان

گزارش شش ماه اول سال ۲۰۱۱
در مورد محافظت غیر نظامیان در منازعات مسلحانه



هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان

کابل، افغانستان
جولای ۲۰۱۱

مأموریت

این گزارش شش ماهه در مورد محافظت غیرنظامیان در درگیری های مسلحانه در افغانستان که توسط بخش حقوق بشر هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) تهیه شده، دوره زمانی از ۱ جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۱۱ را دربر می گیرد.

این گزارش در مطابقت با مأموریت یوناما و بر اساس قطعنامه ۱۹۷۴ (۲۰۱۱) شورای امنیت ملل متحد با هدف " نظارت بر وضعیت غیرنظامیان، هماهنگی تلاش ها برای تضمین محافظت آنها، ترویج حسابدگی و کمک در تطبیق کامل آزادی های بنیادی و مقررات حقوق بشری قانون اساسی افغانستان و معاهدات بین المللی که افغانستان عضو آنها می باشد، بخصوص معاهداتی که ارتباط می گیرد تا زنان بطور کامل از حقوق بشری شان استفاده نمایند" تهیه گردیده است.

یوناما یک سلسله فعالیت ها را با هدف کاهش اثرات جنگ بر غیرنظامیان به شمول موارد ذیل روی دست گرفته اند: نظارت مستقل و بیطرفانه از حوادثی که در آن افراد ملکی کشته یا زخمی شده اند؛ فعالیت های جانبدارانه برای تقویت محافظت غیرنظامیان آسیب دیده از درگیری های نظامی؛ و فعالیت های که باعث رعایت بیشتر مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی، حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان در میان تمام طرفهای درگیری می شود.

واژه نامه ای در نظر گرفته شده در این گزارش

حمله هوایی: مهمات قابل شلیک از طیاره بشمول حمایت هوایی (حمایت برای واحد ها و نیروهای داخل تماس که مورد تهدید عاجل قرار گرفته اند) و در ضمن مهمات قابل شلیک از تجهیزات هوایی با بال ثابت، حملات نظامی نزدیک به موقعیت جنگ توسط بالگرد ها (هلیکوپتر) و حملات با استفاده از وسایط جنگی هوایی بدون سرنشین یا طیاره های بدون خلبان که از راه دور کنترل می شود.

ABP: پولیس سرحدی افغان

ALP: پولیس محلی افغان

ANA: اردوی ملی افغان

ANP: پولیس ملی افغان

ANSF: نیروهای امنیتی ملی افغان؛ اصطلاح پوششی که شامل پولیس سرحدی، اردوی ملی، پولیس ملی و ریاست امنیت ملی میگردد.

AP3: برنامه محافظت عامه افغان

APRP: برنامه صلح و ادغام مجدد در افغانستان

BBIED: مواد منفجره جاسازی شده در بدن

BDA: ارزیابی خسارات جنگ

تلفات: را می تواند به دو دسته تقسیم نمود:

• **مستقیم:** تلفاتی که مستقیم از درگیری نظامی بشمول تلفات برخاسته از عملیات های نظامی انجام شده توسط نیروهای طرفدار دولت (نیروهای دولتی و یا نیروهای نظامی بین المللی) ناشی می گردد، مانند رویداد های محافظت از نیروها، حملات هوایی، عملیات های تلافی و دستگیری، مبارزه با شورشیان یا عملیات های ضد تروریسم. این گونه تلفات شامل تلفاتی نیز میگردد که از نتیجه فعالیت عناصر ضد دولتی مانند کشتار هدفمند، مواد منفجره جاسازی شده و یا درگیری مستقیم با نیروهای طرفدار دولت ناشی گردد.

• **غیر مستقیم:** تلفاتی که بصورت غیر مستقیم از درگیری ها ناشی می شود، بشمول تلفات ناشی از مواد منفجره باقی مانده از دوران جنگ، مرگ در زندان، مرگ احتمالی ناشی از وضعیت غیر صحی که در جریان عملیات های نظامی رخ می دهد و یا زمانی که دسترسی به مراقبت های صحی منع شده یا موجود نباشد. این گونه تلفات می تواند مرگ ناشی از حوادثی را نیز شامل شود که عامل آن را به هیچ وجه نمی توان مشخص ساخت. مانند مرگ یا جراحت های ناشی از تبادل آتش.

• **اطفال:** بر اساس کنوانسیون حقوق طفل، "طفل" به کسی گفته می شود که زیر سن ۱۸ سال (مشمول ۰-۱۷) باشد. در ضمن اساسنامه روم که در سال ۲۰۰۳ از سوی افغانستان نیز تصویب شده خدمت اجباری یا شامل نمودن اطفال زیر سن ۱۵ سال در نیروهای مسلح دولتی و یا گروه های مسلح غیر دولتی و استفاده از اطفال برای مشارکت مستقیم در خشونت ها را جرم شمرده است. (به جزء (XXVI) فقره (بی) بند (۲) ماده ۱۸ و جزء (VII) فقره ای بند ۲ ماده ۸ مراجعه شود)

غیرنظامیان و مبارزین محافظت شده: مقررات حقوق بشردوستانه بین المللی تحت نام "غیرنظامیان" کسانی را خطاب می کند که مبارز نمی باشند (عضو نیروهای نظامی یا شبه نظامی) و یا عضو گروه های مسلح سازمان یافته ای یکی از طرف های درگیر یا بخش از قیام و شورش عمومی^۱ نباشند. در صورتی که غیرنظامیان بطور مستقیم در درگیری های نظامی شرکت کنند محافظت خویش را از دست می دهد. مانند غیرنظامیان، جنگجویان که از جنگ خارج شده، مثل (مجرع، مریض، کسان که کشتی شان متلاشی می شود، توقیف یا تسلیم می گردد) و یا کسانی که مربوط به بخش های صحی یا دینی نیروهای مسلح باشند، باید در برابر حملات محافظت شوند.

COM-ISAF: فرمانده نیروی های بین المللی یاری به امنیت یا آیساف در افغانستان.

EOF Incidents: حادثات مربوط به عکس العمل تدریجی نیرو که تحت عنوان "محافظت از نیروها" نیز یاد شده: زمانی که افراد در نزدیک شدن به کاروان های نظامی یا سبقت گرفتن از آن به هشدار افراد نظامی توجه نکنند و یا هم در پوسته های تلاشی از دستورالعمل ها سرپیچی نمایند، این واقعه اتفاق می افتد. حادثه ای مربوط به عکس العمل تدریجی نیرو زمانی رخ می دهد که یک فرد به پایگاه یا قرارگاه های نظامی بسیار نزدیک شده و یا به هشدار های افراد نظامی توجه ننماید.

IHL: حقوق بشر دوستانه بین المللی

IDP: بیجا شدگان داخلی

ICRC: کمیته بین المللی صلیب سرخ

IED: وسیله انفجاری تعبیه شده. یعنی بمبی که برخلاف روش معمول نظامی ساخته و یا جاسازی شده باشد. وسیله انفجاری تعبیه شده می تواند بصورت بمب انتحاری؛ یعنی جاسازی شده در بدن، کنترل از راه دور، جاسازی شده در موتور و یا بصورت بمب های جاسازی شده با صفحات روکش دار باشد.

Incidents: زمانی که افراد ملکی در اثر درگیری های نظامی متأثر می گردد. گزارش تلفات ناشی از فعالیت های جنایی شامل گزارشات تلفات افراد ملکی یوناما نمی شود.

IM Forces: "نیرو های نظامی بین المللی" شامل تمامی سربازان خارجی می گردد که بخشی از نیروهای آیساف و نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان (بشمول نیروهای مربوط به عملیات تحکیم آزادی) که تحت فرماندهی فرمانده آیساف قرار دارند را تشکیل می دهد، در ضمن این واژه آنعه از نیروها را نیز دربر می گیرد که تحت فرماندهی آیساف عمل نکرده که شامل تعداد نیرو های ویژه و نیرو های عملیات ویژه می باشد.

Injuries: به معنی جراحات جسمی با میزان شدت متفاوت. میزان شدت جراحت ها در داتابیس بخش حقوق بشر یوناما ثبت نشده است. جراحت ها شامل شوک یا صدمه های روانی نمی گردد.

IMU: جنبش اسلامی ازبکستان

ISAF: نیروهای بین المللی کمک به امنیت در افغانستان. آیساف بر اساس فصل ۷ منشور ملل متحد مأموریت تأمین صلح را به عهده دارد. این نیرو ها تحت صلاحیت شورای امنیت ملل متحد اعزام شده است. در اگست ۲۰۰۳، ناتو بر اساس درخواست ملل متحد و دولت افغانستان فرماندهی آیساف را به عهده گرفت. نیروهای آیساف تا ۶ جون ۲۰۱۱ تقریباً شامل ۱۳۲،۴۵۷ نفر از ۴۸

^۱ اصطلاح قیام عمومی که در کنوانسیون سوم ژنیو تکرار یافته: "ساکنین یک سر زمین اشغال نشده، یعنی کسانی که در برخورد با نیروهای مهاجم بی اختیار سلاح در دست می گیرند و در مقابل آنها مقاومت می کنند بدون اینکه وقت داشته باشد تا خود را در واحد های منظم نظامی شامل سازند ولی نشان میدهند که با حمل سلاح قوانین و سنت های جنگ را رعایت می کنند. فقرهای (۱) و (۶) ماده ۴.

کشور می گردید که در شش سلسله فرماندهی منطقی بشمول مقر عمومی آیساف در کابل مستقر می باشند. از نومبر ۲۰۰۸ بدین سو، فرمانده آیساف به عنوان فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان نیز خدمت می کند، در حالیکه سلسله فرماندهی هر دو نیرو جداگانه می باشد. قطعنامه ۱۹۴۳ (۲۰۱۰) شورای امنیت یکبار دیگر بر قطعنامه های قبلی در مورد تمدید مأموریت آیساف به مدت ۱۲ ماه دیگر الی ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۱ تأکید می نماید.

MoI: وزارت امور داخله

NATO: سازمان پیمان اتلانتیک شمالی. اعضای ناتو عمده ترین کشور های سهم در آیساف می باشند.

NDS: ریاست امنیت ملی افغانستان یا استخبارات دولتی افغانستان

NGO: سازمان غیر دولتی

گروه های مسلح غیر دولتی، عناصر ضد دولتی: این اصطلاح تمام افراد و گروه های مسلح و یا مخالفین مسلح را که در حال حاضر در درگیری های نظامی علیه دولت افغانستان و یا نیروهای نظامی بین المللی سهم دارند، در بر می گیرد. این اصطلاح همچنین به کسانی اطلاق می شود که به عنوان "طالبان"، افراد و گروه های تحریک شده در اثر یک سلسله اهداف، با مشخصه یا هویت مختلف مانند شبکه حقانی، حزب اسلامی، حامیان و وابستگان القاعده، مانند جنبش اسلامی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد می باشند.

Pro-Government Forces (PGF): نیرو های طرفدار دولت

• **نیروهای دولت افغانستان:** تمام نیروهایی نظامی و شبه نظامی که در عملیات های ضد تروریسم فعالیت میکنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت کنترل دولت افغانستان می باشند. این نیرو ها شامل اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی و ریاست امنیت ملی میگردد، اما محدود به این ها نمی باشد.

• **نیروهای نظامی بین المللی: (نیرو های نظامی خارجی) و نمایندگی های کشور های دیگر (OGAs)**

RCIED: مواد منفجره تعبیه و کنترل شده از راه دور

SVBIED: انتحار با مواد منفجره کارگذاری شده در موتر

SOP: طرز العمل های عملیات معیاری

SOF: نیروهای عملیات ویژه

US Forces Afghanistan: یا "USFOR-A" در واقع مقر فرماندهی یا کنترل فعال برای نیروهای امریکای در افغانستان می باشد. نیروهای "USFOR-A" تحت فرماندهی جنرال دیوید پترویس می باشد که به عنوان فرمانده نیروهای آیساف و ناتو نیز وظیفه اجرا می کند. نیروهای که از اکتوبر ۲۰۰۸ بدینسو تحت این سیستم تنظیم شده اند، به عنوان بخشی از عملیات تحکیم آزادی تحت کنترل فعال "USFOR-A" فعالیت می نمایند. سلسله فرماندهی آیساف و عملیات تحکیم آزادی از هم جدا می باشند.

UNDSS: دفتر امنیت و مصئونیت ملل متحد.

UNAMA: هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان

UNHCR: کمشنری عالی ملل متحد در امور مهاجرین

VBIED: مواد منفجره کارگذاری شده در موتر

فهرست مطالب

i میتودولوژی یا روش تهیه گزارش
ii مسئولیت های حقوقی طرف های درگیر در جنگ مسلحانه
iv غیرنظامیان و جنگجویان محافظت شده
۱ خلاصه اجرایی
۹ پیشنهادات
۱۱ عناصر ضد دولتی و محافظت از غیرنظامیان
۱۱ نگاه اجمالی
۱۲ اعلامیه طالبان در مورد تلفات غیرنظامیان
۱۴ هدف قراردادن قرارداد کننده گان ملکی
۱۵ هدف قرار دادن مکان های محافظت شده و حملاتِ خلافِ نورم های جنگی
۱۶ استخدام، آموزش و استفاده اطفال به عنوان بمبگذاران انتحاری
۱۷ تاکتیک های استفاده شده توسط عناصر ضد دولتی
۱۷ حملات توسط مواد منفجره تعبیه شده
۱۹ حملات مرکب و انتحاری
۲۰ کشتارهای هدفمند یا ترور
۲۱ پروسه انتقال امنیت در ساحات جنگی
۲۳ نیروهای طرفدار دولت و محافظت از غیرنظامیان
۲۳ اعلامیه های آیساف
۲۵ تحقیقات در مورد تلفات افراد ملکی
۲۵ تاکتیک های استفاده شده توسط نیروهای طرفدار دولت
۲۶ حملات هوایی
۲۸ حملات شبانه
۳۰ جنگ های زمینی و درگیری های مسلحانه
۳۲ ضمیمه ۱: ماه می مرگبارترین ماه برای افراد ملکی افغان
۳۳ اعلامیه امارت اسلامی در پاسخ به اعلامیه یک جانبه یوناما در مورد تلفات افراد ملکی
۳۵ پاسخ یوناما به اعلامیه مورخ ۱۲ جون ۲۰۱۱ امارت اسلامی

میتودولوژی یا روش تهیه گزارش

یوناما با اجرای تحقیقات در ساحه تا جایی که امکان دارد و با یک سلسله منابع وسیع و اطلاعات که با اطمینان و با اعتبار ارزیابی می گردد، ریزنی و مشوره نموده و گزارش ها در مورد تلفات افراد ملکی را تحقیق می نماید. در زمان تحقیق و بررسی هر رویداد، یوناما بهترین تلاش های خود را بکار می برد تا اطلاعات ارایه شده از منابع گسترده بشمول شواهد عینی، افراد آسیب دیده، فعالین نظامی (بشمول دولت افغانستان و نیروهای نظامی بین المللی)، مسئولین محلی، روستا و ولایات، رهبران مذهبی و اجتماعی و اطلاعات بدست آمده از طریق بازدید مستقیم، آزمایش فیزیکی اقلام و شواهد جمع آوری شده از محل حادثه، بازدید از شفاخانه و دیگر مراکز صحی، تصاویر ویدیویی، گزارش ریاست امنیت و مصئونیت ملل متحد و دیگر نمایندگی های آن، گفته های منابع دست دوم، گزارش رسانه ها و اطلاعات جمع آوری شده از سوی نهاد های غیر دولتی و طرف های سوم را بررسی نماید.

در جای که ممکن باشد، تحقیقات نخست بر اساس شهادت قربانیان، شواهد رویداد ها و تحقیقات در محل می باشد. در بعضی موارد بخصوص جایی که دسترسی به علت محدودیت های امنیتی وجود ندارد، این گونه تحقیقات امکان پذیر نیست. در این گونه موارد، یوناما بر یک سلسله تکنیک ها برای جمع آوری اطلاعات بخصوص از طریق شبکه های معتبر و باز هم از طریق یک سلسله منابع گسترده که اعتبار و واقعیت اش ارزیابی شده، اتکاء می کند.

هرگاه اطلاعات مربوط به یک رویداد برای یوناما قناعت بخش نباشد، در آنصورت گزارش نمی شود. در بعضی موارد، تحقیقات قبل از نتیجه گیری میتواند چندین هفته را در بر گیرد. این مسئله بدین معناست که نتیجه گیری ها در یک گزارش در مورد تلفات ملکی ناشی از یک رویداد میتواند با کسب اطلاعات بیشتر و گنجاندن آن در تحلیل ها دوباره بررسی گردیده و اصلاح گردد. هرگاه اطلاعات واضح و روشن نباشد، در آنصورت تا زمان کسب مدارک قناعت بخش نتیجه گیری صورت نمی گیرد و یا بدون نتیجه گیری قضیه بسته می گردد و نیز در گزارش که از ارقام تذکر به عمل می آید، گنجانیده نمی شود.

در بعضی موارد وضعیت غیر نظامی بودن قربانیان گزارش شده را نمی توان بطور قطعی مشخص ساخت و یا مورد اختلاف می باشد. در این گونه موارد، یوناما از معیار های قابل اعمال حقوق بشر دوستانه بین المللی استفاده نموده و فرض نمی کند که مردان که در سن جنگ قرار دارند ملکی اند یا جنگجو، حتا این گونه ادعا ها بر اساس واقعیت های موجود در مورد یک رویداد مشکوک ارزیابی می شوند. هرگاه وضعیت یک یا چندین قربانی نا مشخص باقی می ماند، در آنصورت مرگ آنها در شمار مجموع تلفات افراد ملکی گنجانیده نمی شود.

یوناما یک داتابیس را در سال ۲۰۰۹ میلادی ایجاد نمود تا تحلیل ها و گزارش های خود در مورد محافظت غیر نظامیان در درگیری های نظامی را حمایت کند. این داتابیس بخاطر تسهیل منظم، جمع آوری، تحلیل و ارزیابی منسجم و موثر اطلاعات منجمله تفکیک اطلاعات بر اساس سن و جنسیت طراحی شده است. به علت محدودیت های ناشی از محیط عملیات ها مانند ماهیت مشترک بعضی از عملیات های نظامی و عدم توانایی منابع اولیه در بسیاری از رویداد ها برای تشخیص دقیق یا تفکیک میان فعالین مختلف نظامی، شورشیان یا زمانی که هیچ یک از طرف ها مسئولیت را به عهده نمی گیرند یوناما مسئولیت یک رویداد خاص را نه به نیروهای طرفدار دولت و نه هم به عناصر ضد دولتی نسبت میدهد. یوناما ادعا نمی کند که ارقام ارایه شده در این

گزارش کامل می باشد؛ بلکه احتمال دارد یوناما تلفات افراد ملکی را با توجه به محدودیت های مرتبط به محیط جنگی کمتر گزارش نموده باشد.^۲

مسئولیت های حقوقی طرف های درگیر در جنگ مسلحانه

به نظر یوناما جنگ افغانستان یک نبرد داخلی بوده که در آن دولت افغانستان با حمایت نیروهای نظامی بین المللی (که در این گزارش و در داخل افغانستان به عنوان " نیروهای طرفدار دولت" به آن اشاره شده) با گروه های مسلح غیر دولتی (که در این گزارش و در داخل افغانستان به عنوان "عناصر ضد دولتی" به آن اشاره شده) درگیر جنگ می باشند. عناصر ضد دولتی شامل افراد و گروه های مسلح با سابقه مختلف، اهداف و ساختار های فرماندهی متفاوت، آنهای را دربر می گردد که بنام طالبان، شبکه حقانی، حزب اسلامی و دیگران خطاب می شوند. تمام طرف های درگیر در جنگ: نیروهای مسلح افغان، نیروهای نظامی بین المللی و گروه های مسلح غیر دولتی- همه بر اساس مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی جهت محافظت غیرنظامیان تعهدات آشکار و واضح دارند.

i. مکلفیت ها بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی

افغانستان عضو کنوانسیونهای چهارگانه ژنیو ۱۹۴۹ می باشد. ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنیو، کمترین معیار هایی را که طرف های درگیر بشمول دولت و فعالین غیر دولتی درگیر در یک جنگ مسلحانه داخلی باید رعایت کنند، تعیین نموده است. افغانستان عضو پرتوکول الحاقی ۲ سال ۱۹۷۷^۳ نیز می باشد که در آن محافظت غیرنظامیان در درگیری های مسلحانه داخلی مشخص شده است. این پرتوکول حمله علیه افراد غیرنظامی و حمله بر اهداف که موجودیتش برای نجات جمعیت غیرنظامی ضروری است را منع می نماید. پرتوکول الحاقی ۲ هر گونه عمل یا تهدید به خشونت را که هدف اساسی آن گسترش وحشت در میان جمعیت غیر نظامی می باشد، را منع می کند. دولت افغانستان، نیروهای نظامی بین المللی حاضر در این کشور و کشور های عضو پرتوکول الحاقی ۲ همه بر اساس احکام این پرتوکول متعهد می باشند.

چندین ماده کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنیو و پرتوکول های الحاقی آن به بخشی از حقوق عرفی بین المللی تبدیل شده اند^۴ مرتبط ترین اصولی که بر رفتار نیروهای مسلح افغان، نیروهای نظامی بین المللی و گروه های مسلح غیر دولتی به عنوان طرف های درگیر در جنگ داخلی قابل اعمال می باشد، بدین شرح می باشند:

- تشخیص: "جمعیت غیر نظامی و همچنین افراد ملکی نباید مورد هدف قرار گیرند^۵. [طرف ها] باید در تمام حالات جمعیت ملکی را از جنگجویان" و "اهداف ملکی را از اهداف نظامی" تشخیص دهند.^۶"

^۲ به علت بسته شدن دفتر یوناما به شکل موقت در مزارشریف از تاریخ ۱۱ اپریل تا ۱۹ جون ۲۰۱۱، این گزارش اطلاعات مرتبط به مناطق شمال را در همان مدت زمان یعنی دوره ماه های مارچ تا جون ۲۰۱۱ شامل نمی گردد.

^۳ افغانستان، پرتوکول الحاقی ۲ سال ۱۹۷۷ را به تاریخ ۱۰ نومبر ۲۰۰۹ که به تاریخ ۲۴ دسمبر ۲۰۰۹ نافذ گردید، تصویب نموده است.

^۴ این مسئله همچنین توسط کمیته بین المللی صلیب سرخ تصریح گردیده و به این نتیجه رسیده است که قواعد متعدد کنوانسیونهای چهارگانه ژنیو و پرتوکول الحاقی

۱، نیروی حقوق عرفی بین المللی را کسب نموده و دیگر اینکه اکثر این مقررده ها در درگیری های داخلی و بین المللی قابل تطبیق می باشد. (کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی. جان ماری هینکارتز و لوئیس دوسوالد بک (CU P/ICRC, Cambridge 2005)

^۵ پرتوکول الحاقی ۲، بند (۲) ماده ۱۳

- تناسب: "در یک حمله که احتمال تلفات اتفاقی افراد ملکی، جراحت به غیر نظامیان، صدمه به اهداف ملکی و یا ترکیبی از آنها می گردد، که فراتر از امتیازات قابل پیش بینی و دقیق نظامی می باشد اصول تناسب مد نظر گرفته نشده است".^۷
- احتیاط در حمله: "...غیر نظامیان باید در برابر هر گونه خطر ناشی از عملیات های نظامی عموماً مصئون باشند".^۸ در زمان انجام عملیات نظامی، باید همیشه دقت شود تا جمعیت غیر نظامی و اهداف ملکی را تفکیک نمود" و از هر گونه احتیاط ممکن کار گرفته شود تا از "هر گونه تلفات اتفاقی افراد ملکی، جراحت به آنها و صدمه به اهداف غیر نظامی جلوگیری شده و یا در بعضی موارد به حداقل رسانده شود".^۹

همه کشور های شامل در نیروهای نظامی بین المللی در افغانستان، بشمول قوت های آیساف، نیروهای امریکایی در افغانستان، اعضای ائتلاف عملیات تحکیم آزادی و نیرو های خارج از این سلسله فرماندهی، همه امضاء کنندگان کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنیو می باشند. هر چند تمام کشورهای شرکت کننده نظامی امضاء کننده پرتوکول الحاقی ۱ و پرتوکول الحاقی ۲ سال ۱۹۷۷ نیستند، اما تمام این نیروها به قواعد حقوق بشر دوستانه بین المللی که بخشی از حقوق عرفی بین المللی است، مقید می باشند.

ii. مکلفیت ها بر اساس قواعد حقوق بشر بین المللی

قواعد حقوق بشر بین المللی در زمان جنگ و در زمان صلح قابل اعمال می باشد. طوریکه محکمه بین المللی عدالت نتیجه گیری نموده "محافظت ارایه شده توسط کنوانسیون های حقوق بشر در زمان درگیری های نظامی موقوف نمی باشد"^{۱۰} قواعد حقوق بشر بین المللی همراه با حقوق بشر دوستانه بین المللی که قانون ویژه می باشد (قانون متداول حاکم بر یک موضوع خاص) در زمان جنگ مسلحانه، یکجا تطبیق می گردد.

افغانستان امضاء کننده چندین معاهده بین المللی حقوق بشر^{۱۱}، بشمول کنوانسیون بین المللی حقوق سیاسی و مدنی می باشد و این اقدام دولت افغانستان را متعهد به تأمین محافظت از اصول اولیه حقوق بشر به تمام شهروندانش در داخل سرحدات یا حوزه صلاحیت آن می نماید.

فعالین غیر دولتی در افغانستان بشمول گروه های مسلح غیر دولتی نمی توانند بصورت رسمی عضو معاهدات بین المللی حقوق بشر شوند و بصورت رسمی هیچگونه تعهدی بر اساس این معاهدات ندارند. گسترش اصول حقوق بشر دوستانه بین المللی بر متعهد

⁶ پرتوکول الحاقی ۱، ماده ۴۸. به بند (۲) ماده ۵۱ که در آن گفته شده افراد ملکی "نباید مورد هدف قرار گیرند" و به بند (۲) ماده ۵۲ که در آن گفته شده "حملات فقط باید مواضع نظامی را هدف قرار دهد" مراجعه شود.

⁷ پرتوکول الحاقی ۱، بند (ب) فقره (۵) ماده ۵۱. جهت اطلاعات بیشتر به ماده ۵۷ در مورد احتیاط در حمله مراجعه کنید.

⁸ پرتوکول الحاقی ۲، بند (۱) ماده ۱۳

⁹ پرتوکول الحاقی ۱، ماده ۵۷، فقره (۱) و زیر بند های (الف) و (ii) فقره ۲.

¹⁰ پیامد های حقوقی ساخت یک دیوار در سر زمین فلسطین اشغالی، دیدگاه مشاورتی، آی. سی. جی گزارش های ۲۰۰۴، صفحه ۱۷۸، پراگراف های ۱۰۵ تا ۱۰۶. همچنین به اعلامیه های مرتبط به حقوق بشر دوستانه بین المللی به عنوان قانون خاص در مطابقت با تهدید یا استفاده از سلاح هسته ای، دیدگاه مشاورتی گزارش های ۱۹۹۶، صفحه ۲۴۰، پراگراف ۲۵ مراجعه شود.

¹¹ افغانستان عضو کنوانسیون ها و معاهدات ذیل می باشد: میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، مصوب ۲۴ اپریل ۱۹۸۳. میثاق بین المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مصوب ۲۴ اپریل ۱۹۸۳. میثاق بین المللی محو هر گونه تبعیض نژادی مصوب ۵ اگست ۱۹۸۳. کنوانسیون منع هر گونه خشونت علیه زنان، مصوب ۵ مارچ ۱۹۸۳. کنوانسیون منع شکنجه و انواع رفتار ظالمانه، برخورد یا مجازات تحقیر آمیز یا غیر انسانی، مصوب ۲۶ جون ۱۹۸۷. کنوانسیون حقوق کودکان مصوب ۲۷ اپریل ۱۹۹۴. پرتوکول اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، هرزه گری و هرزه نگاری کودکان، مصوب ۱۹ اکتوبر ۲۰۰۲. و همچنین پرتوکول اختیاری بر کنوانسیون حقوق کودک در مورد مشارکت کودک در درگیری های نظامی مصوب تاریخ ۲۴ سپتمبر ۲۰۰۳. منبع: http://www.aihrc.org.af/English/Eng_pages/X_pages/conventions_af_z_party.html

نمودن جنگجویان غیر دولتی هنوز در عرصه حقوق بین المللی حل نشده باقی مانده است^{۱۲}. اما بطور فزاینده پذیرفته شده که فعالین غیر دولتی مانند طالبان، بر مناطقی که به شکل غیر رسمی فعالیت دارند باید حقوق بنیادی بشری افراد را در همان ساحات رعایت کنند^{۱۳}.

طوریکه شورای امنیت در قطعنامه ۱۳۲۵ خود مشخص ساخته، اعمال کامل نورم های بین المللی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی بر زنان و دختران و اتخاذ اقدامات خاص برای حفاظت زنان و دختران در برابر خشونت های جنسی در زمان جنگ بسیار مهم و حیاتی می باشد^{۱۴}.

iii. مکلفیت ها بر اساس حقوق جزای بین المللی

افغانستان در سال ۲۰۰۳ میلادی اساسنامه روم را در مورد محکمه جزای بین المللی تصویب و قبول نمود. بنابراین افغانستان در برابر تحقیق و پیگیری جرایم بین المللی یعنی جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و کشتار جمعی در حوزه قضایی دادگاه شان مسئولیت اولیه دارد. در صورتی که افغانستان نمی تواند و یا نمی خواهد این کار را انجام دهد، در آن صورت محکمه جزای بین المللی با توجه به صلاحیت شان می تواند بر قضیه که در افغانستان صورت گرفته رسیده گی نماید.

کشور های که نیروهای نظامی شان در تشکیل نیروهای نظامی بین المللی؛ یعنی یکی از طرف های درگیر در جنگ در افغانستان می باشد و در ضمن اساسنامه روم را در مورد محکمه جزای بین المللی تصویب نموده اند، مسئولیت دارند تا جرایمی را که توسط اتباع شان در افغانستان صورت گرفته در چهارچوب صلاحیت محکمه تحقیق و مورد پیگیری قرار دهند. در ارتباط به محافظت غیر نظامیان بخصوص فقره های (i) و (و) بند (۲) ماده ۸ اساسنامه محکمه جزای بین المللی تصریح نموده که "حملات قصداً هدایت شده علیه جمعیت غیر نظامی و یا این گونه حملات علیه افراد ملکی که مستقیماً در خشونت ها سهم ندارند" در زمان درگیری های داخلی جرم جنگی شمرده می شود.

iv. مکلفیت ها بر اساس قوانین داخلی

شورشیان بر اساس قوانین جزای افغانستان بخاطر مشارکت در خشونت ها باید مورد پیگرد قرار گیرند. در ضمن، اعضای نیروهای نظامی دولت افغانستان و نیروهای بین المللی نیز در برابر نقض قوانین ملی کشور متبوع شان مسئول شناخته می شوند.

غیر نظامیان و جنگجویان محافظت شده

یوناما تعریف "ملکی" را طوری بکار می برد که بتواند معیار های حقوق بشردوستانه بین المللی را منعکس نماید. هدف حقوق بشر دوستانه بین المللی از کلمه "ملکی" کسانی می باشد که جنگجو (اعضای نیروهای نظامی یا شبه نظامی) یا عضو گروه های مسلح

¹². برای معلومات بیشتر در مورد اعمال مقررات بین المللی حقوق بشر به نوشته ذیل مراجعه کنید: اندریو کلافام، تعهدات حقوق بشری فعالین (جنگجویان) غیر دولتی (آکسفورد، انتشارات دانشگاه آکسفورد سال ۲۰۰۶)

¹³. در ادامه به گزارش هیئت از کارشناسان سرمنشی عمومی ملل متحد در بخش حسابدهی در سریلانکا، مورخ ۳۱ مارچ ۲۰۱۱، پراگراف ۱۸۸ مراجعه کنید. همچنین به گزارش کمیسیون بین المللی بازرسی سرمنشی عمومی ملل متحد در مورد تحقیق بر تمام تخلفات از مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی در جمهوری عربی لیبیا تحت عنوان A/HRC/17/44 مورخ ۱ جون ۲۰۱۱ مراجعه کنید.

¹⁴. S/RES/1325 و همچنین S/RES/1820 را مطالعه کنید.

سازمان یافته ای یک طرف از جناح های درگیر نبوده و در ضمن به اشخاص خطاب می گردد که بخشی از شورشیان عمومی نباشد.^{۱۵} یک فرد ملکی موقیف خود را زمانی از دست می دهد که بصورت مستقیم در خشونت ها سهم می گیرد. حقوق بشر دوستانه بین المللی از طرف های درگیر در یک جنگ می خواهد تا در زمان اجرای عملیات های نظامی شان میان افراد غیرنظامی و جنگجویان تفکیک قایل شوند. کسانی که دیگر شورشی نبوده و یا دیگر در خشونت ها سهم نمی گیرند، مورد حفاظت بوده و نباید هدف قرار گیرند. اما در کنار افراد ملکی، جنگجویانی که دیگر از میدان جنگ خارج شده (مانند زخمی، بیمار، آنهای که کشتی شان می شکنند و درحال غرق شدن است و بازداشت یا تسلیم شده اند) یا کسانی که مربوط به پرسونل مذهبی یا کارمندان صحی نیروهای مسلح اند همه این ها تحت حقوق بشر دوستانه بین المللی در برابر حمله یا هدف قرار گرفتن مصنون می باشند.

اما در این ارتباط در افغانستان: این گزارش حملاتی را علیه گروه های مختلف مردمی به ثبت رسانیده که شامل کارمندان ملکی، معلمین، کارمندان مراکز صحی و کسانی که در ارایه خدمات عامه سهم دارند، شخصیت های سیاسی و کارمندان اداری، کارمندان مؤسسات غیر دولتی، پرسونل پولیس ملکی که وظیفه نظامی ندارند و در عملیات های مبارزه با شورشیان سهم ندارند، می گردد.^{۱۶} یوناما بر این نظر هست که درک و تفسیر متفاوت از واژه "ملکی" توسط طرف های درگیر در جنگ در افغانستان تا حدی می تواند اختلافات در شمار تلفات افراد ملکی، پیگیری و گزارش آن را توسط طرف ها توضیح دهد.

یوناما ملاحظه نموده که عناصر ضد دولتی ظاهراً بر این نظراند که یک تعداد افراد خاص که به شکل قانونی در تحت عنوان تعریف "افراد ملکی" قرار می گیرند ممکن مورد حمله قرار بگیرند و این مسئله با حقوق بشر دوستانه بین المللی مغایرت دارد.

به گونه مثال در دستور العمل ۲۰۱۰ طالبان اشاره شده بود که کارمندان دولت، قراردادکننده گان، رانندگان، مترجمین و دیگر افراد را در فهرست اهداف شان برای کشتن یا دستگیری شامل نموده اند.^{۱۷} طالبان در اعلامیه ای در مورد تهاجم فصل بهاری شان در سال ۲۰۱۱ این فهرست را گسترش دادند که شامل اعضای کابینه حکومت افغانستان، اعضای پارلمان و شورای صلح نیز می گردید.^{۱۸} هدف گیری و کشتار عمدی این افراد ملکی نقض حقوق بشر دوستانه بین المللی می باشد. بر اساس حقوق بشر دوستانه

^{۱۵} پراگراف ۱ ماده ۵۰ پروتوکول الحاقی ۱ را با کنوانسیون های ژنیو مقایسه کنید. همچنین به "رهنمود های تفسیری در مورد مفهوم مشارکت مستقیم در خشونت ها بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی" نوشته نیلز میلز، تاریخ ۱ جولای ۲۰۰۹ مراجعه کنید.

^{۱۶} یوناما آئنده از افسران را به عنوان جنگجو می پذیرند که بصورت مستقیم در خشونت ها سهم دارند. این مسئله شامل حال پولیس ملی افغان، پولیس محلی و پولیس سرحدی که بصورت منظم عملیات های ضد شورشگری را انجام میدهند نیز می گردد، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. یوناما به عنوان غیر نظامی، آئنده از پولیس ترافیک افغان و دیگر افسران پولیسی را در نظر دارد که فقط نقش نظم عامه ملکی را انجام میدهند.

^{۱۷} امارت اسلامی افغانستان "لایحه (دستور العمل برای مجاهدین امارت اسلامی افغانستان)، ۳۰ می ۲۰۱۰. بخش ۲، در مورد زندانیان، پراگراف ۱۱: آئنده از قرار دادکننده گان که تیل، منابع یا مواد انتقال میدهند و مراکز دولتی را برای کفار و اداره غلام گونه ای شان می سازند؛ همچنین بطور مشابه مسئولین بلند و پائین رتبه شرکت های امنیتی، مترجمین کافران، رانندگانی که کالا های دشمن را انتقال می دهند و آئنده ای از آنها که دستگیر شده اند، در صورتی که قاضی ثبوت واقعی در خصوص مشارکت آشکار آنها در دست داشته باشد، این افراد محکوم به مرگ هستند. هرگاه در یک ولایت قاضی وجود ندارد، اجرای حکم مرگ این گونه اشخاص مسئولیت والی می باشد. بخش ۴: در مورد کسانی که سهولت های لازم برای تأمین مواد و کار ساختمانی را برای دشمن فراهم می سازند، پراگراف ۲۵: هرگاه تائید شود که این قراردادکننده گان و یا انحصارگرایان که مراکزی را برای ملحدین و سازمان های برده گونه آنها ایجاد نموده اند و یا تیل و دیگر اقلام را برایشان انتقال میدهند، در آنصورت مجاهدین باید منابع آنها را به آتش بکشاند و خود آنها نیز باید کشته و یا اسیر شوند و هرگاه برای قاضی ثابت شود این افراد به راستی این گونه فعالیت ها را انجام میدهند، این افراد باید محکوم به مرگ شوند. هرگاه در یک ولایت قاضی تعیین نشده باشد، در آنصورت موضوعات مرتبط به قتل و مدرک به والی انتقال داده شود. پراگراف ۲۶: هرگاه تائید شود که این قراردادکننده گان برای دشمن نیروی کار و کارگر فراهم می سازد و از آنها حمایت می کنند، در آنصورت محکوم به مرگ می باشند.

^{۱۸} امارت اسلامی افغانستان "اعلامیه شورای رهبری امارت اسلامی در ارتباط به آغاز تهاجمات بهاری،" ۳۰ اپریل ۲۰۱۱، پراگراف ۲: در تمام مدت عملیات ها، مطابق به اهداف قبلی مجاهدین باید نیروهای اشغالگر خارجی، اعضای شبکه های جاسوسی آنها و (دیگر) جاسوسان، مسئولین بلند پایه اداره دست نشانده کابل، هم

بین المللی تنها اهداف نظامی می توانند هدف قرار گیرند. افراد ملکی بر اساس قانون اهداف نظامی نمی باشد، مگر اینکه بصورت مستقیم در خشونت ها سهم بگیرند.

آیساف بنا به درخواست یوناما تعریف ملکی را به شرح ذیل ارایه نموده است:

" واحد های ناتو و آیساف در زمان تفکیک میان افراد ملکی و نظامی از تمام مقررات قابل اعمال حقوق جنگ پیروی می کنند. روش ها و دستورالعمل های خاص که توسط آیساف برای تعریف اهداف قانونی و مشروع استفاده میشود محرم بوده، برای انتشار همگانی یا عمومی نمی باشد"^{۱۹}.

نظامی و غیر نظامی، اعضای کابینه، اعضای پارلمان، رئیس شرکت های خارجی و داخلی که برای دشمن کار می کنند و قراردادکننده گان مورد حمله قرار بگیرند. پراگراف ۳: از آنجائیکه اعضای نمایندگی های جاسوسی امریکا، مسئولین دولتی اداره دست نشاندگی کابل و دشمنان مردم افغانستان و جهاد خود را در درون شورای صلح نام نهاد پنهان نموده اند و سعی دارند تا با دریافت پول بنام جهاد، مذهب و رهبری قومی، راه را برای تداوم اشغال امریکا هموار کنند، می خواهند مانع جهاد علیه اشغالگران شوند و مردم مجاهد افغانستان را تشویق می کنند تا برده گی و تسلیمی در برابر امریکا را قبول کنند. بنابراین اعضای این گونه شوراها در زمان عملیات های نظامی با توجه به نقش شان میتوانند هدف حملات مجاهدین قرار گیرند، زیرا این افراد اعضای رسمی در سلسله مراتب دشمن می باشند.

^{۱۹}. مکاتبه ایمیلی با آیساف در ۲۷ جون ۲۰۱۱.

خلاصه اجرایی

"صبح زود، هنگامی که من در خانه بودم، این حادثه اتفاق افتاد. دخترم و دو تا دختر برادرم در حال رفتن به سوی مدرسه بودند تا دروس ابتدایی اسلامی را از استاد دروس دینی شان فرا بگیرند. وقتی که آنها صبح زود خانه را ترک گفتند، من دیدم که آنها قرآن مقدس را در دستهای شان گرفته بودند. آنها واقعاً دختران خوشحالی بودند و همیشه بمن می گفتند که دوست دارند داکتر شوند تا برای هم وطنان بخصوص والدین شان خدمت کنند. بعد از انفجار ماین (مواد انفجاری تعبیه شده)، مشاهده نمودم که دختر محبوبم و دختران برادرم مجروح گردیده اند. ما آنها را به شفاخانه انتقال دادیم اما زخمهای یکی از دختران برادرم خیلی شدید بود و در اثر زخمهای شدید، دار فانی را وداع گفت. آن دوتای دیگر که زنده مانده بودند، در باره مقتول از من سوال می کردند، من به آنها می گفتم که وی خوب است و حالا در خانه می باشد. مگر حقیقت اینست که مقتول بیشتر از این در کنار آنها نخواهد بود، آنها بعد از این در کنار هم بازی نخواهند کرد و با هم در مکتب نخواهند رفت. این اطفال هیچ سهمی در جنگ جاری نداشتند، در هر نفس آنها امیدواری هایی برای آینده شان نهفته بودند اما این جنگ بی فایده رویاها، خیالها و زندگی آینده آنها را گرفتند." یک بزرگ قوم و پدر از ولایت خوست، کشته شدن و مجروح شدن دختر و دختران برادرش را در نتیجه انفجار ماین جاسازی شده در ۱۵ مارچ ۲۰۱۱، که ۱۰، ۱۰ و ۱۲ سال عمر داشتند، شرح می دهد.^{۲۰}

منازعات مسلحانه در افغانستان در شش ماه اول سال ۲۰۱۱ یک تأثیر ترسناک و چشم انداز اسفناک را برای افراد ملکی مصور نموده است. همان طوریکه جنگ در مناطق معمولاً جنگی جنوب و جنوب شرق شدت یافته است و روند متحرکی را به سوی ولسوالی های غرب و شمال می پیماید، افراد ملکی در ارتباط به محافظت شان حرکت نزولی را تجربه می نمایند. در عین زمان نیروهای مخالف دولت تاکتیکهای جنگی شان را تغییر داده و این تغییر، نتایج مهلکی را بجا مانده است. نیروهای مخالف دولت به شدت از وسایل جنگی غیر قانونی استفاده نموده که استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده را نیز شامل میگردد، بخصوص مواد انفجاری که با لمس کردن قربانی شان با اندک فشاری منفجر می گردد، مانند ماین های زمینی ضد پرسونل عمل می کند و بین قربانیان تمیزی قایل نمی گردد که با قدم گذاشتن هر کسی و یا گذاشتن هر نوع وسایل نقلیه ای بر آن، منفجر می گردد. قتلهای هدفمند، ترور افراد ملکی بلند پایه و حملات برمکان های ممنوعه ای حفاظت شده مانند حمله بر شفاخانه ها توسط طالبان صورت می گیرد.^{۲۱}

این تاکتیکهای جنگی حقوق اولیه افغان ها را برای زندگی و اصول تمیز، تناسب و احتیاط حقوق بشر دوستانه بین المللی را نقض می نماید. اصولی که تمام اطراف درگیر که شامل نیروهای مخالف دولت، نیروهای امنیتی افغان و نیروهای نظامی بین المللی می باشند را ملزم می دارد تا کشتن و مجروح نمودن افراد ملکی را به حد اقل رساند. در وسط سال ۲۰۱۱، هیأت معاونت ملل متحد در افغانستان یک بار دیگر بر ضرورت مبرم افزایش محافظت افراد ملکی و مد نظر گرفتن معیارهای ضروری جهت محافظت افراد ملکی به شکل فوری تأکید می نماید.

²⁰ هیأت معاونت ملل متحد به تعقیب انفجار مواد منفجره در ۱۵ مارچ ۲۰۱۱ در ولایت خوست، با پدر و کاکای قربانیان صحبت نمودند. در ۱۵ مارچ ۲۰۱۱، در ولسوالی نادرشاه کوت ولایت خوست، مواد منفجره تعبیه شده انفجار نمود که در اثر آن یک دختر زیر سن که شاگرد مکتب بود کشته شد و دو دختر دیگر با عین مشخصه مجروح گردیدند.

²¹ میثاق منع استفاده، ذخیره، تولید و انتقال ماین ضد پرسنل و تخریب آن ماین ها، ۱۸ سپتمبر ۱۹۹۷: استفاده، تولید، انتقال و انباشتن مواد منفجره ضد پرسنل که با تماس قربانی واکنش نشان می دهد، بر اساس معاهده منع ماین ممنوع اعلام گردیده است. افغانستان یکی از اعضای معاهده منع استفاده از ماین می باشد. مواد انفجاری تعبیه شده ای که در اثر فشار منفجر می گردد، بین اهداف نظامی و غیر نظامی تمیزی قابل شده نمی تواند و همچون سلاح ها از جمله سلاح ها و وسایل جنگی ممنوعه تلقی می گردد. در سال ۱۹۹۸، طالبان استفاده، تولید، تجارت و ذخیره نمودن ماین های زمینی ضد نفر را منع کرد. به اعلامیه مطبوعاتی امارت اسلامی افغانستان در مورد مشکلات ماین های زمینی مراجعه گردد، ۱۶ اکتوبر ۱۹۹۸. همچنان به پاورقی ۴۷ مراجعه گردد.

هیأت معاونت ملل متحد در شش ماه اول سال ۲۰۱۱، مرگ ۱۴۶۲ فرد ملکی را به ثبت رسانیده است. که این رقم ۱۵ درصد افزایش را نسبت به عین مدت در سال ۲۰۱۰ نشان می دهد.^{۲۲} وقایع اصلی که منجر به افزایش تلفات افراد ملکی در نیمه اول سال ۲۰۱۱ گردید، همانا استفاده گسترده از مواد انفجاری تعبیه شده (ماین ها)، حملات انتحاری مرکب، کمپاین گسترده ترور، افزایش جنگهای زمینی و افزایش تلفات افراد ملکی ناشی از حملات هوایی بخصوص حملات هلیکوپترهای آپاچی می باشد.^{۲۳} از مجموع کشته شده گان افراد ملکی ۸۰ درصد آن به نیروهای مخالف دولت منسوب است که ۲۸ درصد نسبت به عین مدت سال ۲۰۱۰، افزایش یافته است، ۱۴ درصد به نیروهای دولت و همکاران بین المللی شان نسبت داده شده که نسبت به عین مدت سال ۲۰۱۰، ۹ درصد پایین آمده است و ۶ درصد دیگر به هیچ یکی از طرفین به شکل مشخص نسبت داده نمی شود.

مواد منفجره و حملات انتحاری یعنی تاکتیکهای که توسط نیروهای مخالف دولت استفاده میگردد تقریباً نصف کشته شده گان و زخمی ها (۴۹ درصد) از مجموع تلفات افراد ملکی را تشکیل میدهد. افراد کشته شده توسط مواد منفجره جاسازی شده نسبت به عین مدت سال ۲۰۱۰، ۱۷ درصد افزایش یافته است و این تاکتیک به شکل منحصر به فرد بزرگترین قاتل افراد ملکی در شش ماه اول سال ۲۰۱۱ بوده است. مواد منفجره جاسازی شده ۴۴۴ فرد ملکی را کشته که ۳۰ درصد مجموع کشته شده گان را در افغانستان تشکیل داده و ۳۸ درصد مجموع کشته شده گان که به نیروهای مخالف دولت نسبت داده می شود را تشکیل می دهد. از دیدگاه یوناما، مواد انفجاری تعبیه شده یعنی مواد انفجاری که بشقاب مانند است و با فشار منفجر می گردد، درحقیقت یک ماین زمینی دست ساخته است، بخاطریکه آنها طوری طرح و پیکربندی شده اند تا مانند ماین های زمینی ضد پرسونل عمل نمایند و اثر شان مثل ماینهای زمینی ضد پرسونل می باشد. مواد انفجاری که با آوردن فشار منفجر میگردد و توسط نیروهای مخالف دولت در افغانستان استفاده میگردد طوری تنظیم شده است که هنگامیکه بر آنها با وزن بین ۱۰ و ۱۰۰ کیلو گرام با قدم گذاشتن و یا عبور نمودن وسایل حمل و نقل فشار آورده شود، منفجر میگردد. در افغانستان تعداد زیاد از مواد انفجاری تعبیه شده ای که با آوردن فشار منفجر می گردد، تقریباً ۲۰ کیلوگرام از مواد منفجره را دارا می باشد، یعنی بیشتر از دو برابر نسبت به ماین های معیاری ضد تانک ولی با آوردن وزن که بر ماین ضد پرسونل وارد می شود، منفجر می گردد. در نتیجه این نوع طرح و پیکر بندی، هریکی از این نوع ماین ها بحيث یک ماین قویی زمینی و ضد پرسونل تلقی گردیده و با قدرت کافی برای خراب نمودن یک تانک، کار می دهد. آن افراد ملکی که بر این نوع ماینها قدم میگذازد و یا با وسایل نقلیه بر آن عبور می نماید هیچ دفاعی در مقابل آن نداشته و چانس اندک برای نجات میداشته باشد. از مواد انفجاری تعبیه شده ای که توسط نیروهای مخالف دولت در افغانستان استفاده می شود تقریباً دوسوم آن را ماین های تشکیل می دهد که با آوردن فشار منفجر می گردد.^{۲۴} ماه جون ۲۰۱۱، بلند ترین رقم حملات توسط مواد انفجاری تعبیه شده را بخود اختصاص داده که آیساف تا هنوز این نوع آمار بلند را در هیچ ماه در افغانستان به ثبت نرسانده بود.

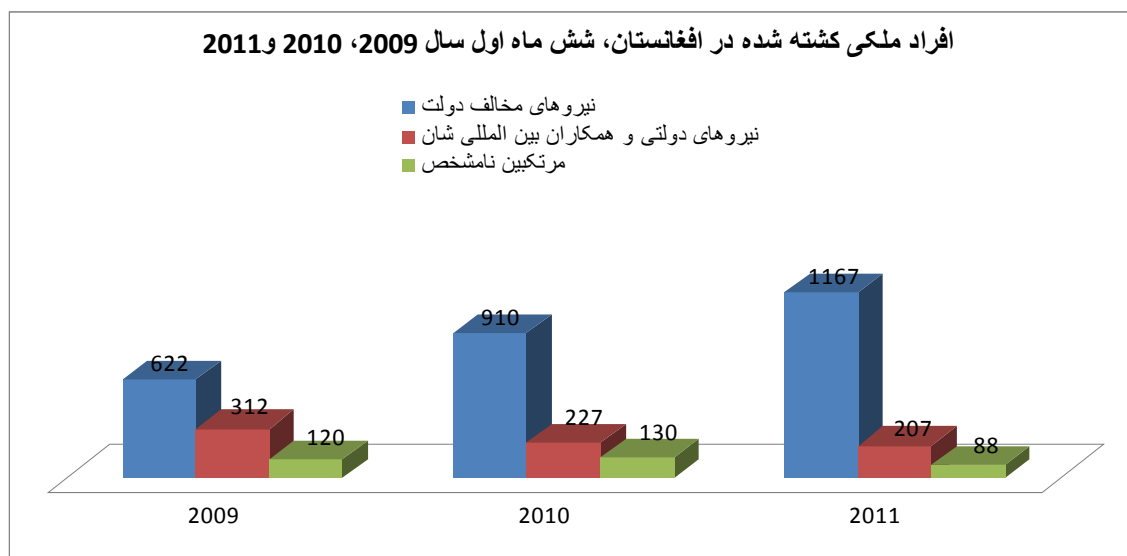
^{۲۲} هیأت معاونت ملل متحد در شش ماه اول سال ۲۰۱۱، به تعداد ۲۱۴۴ فرد ملکی مجروح را به ثبت رسانیده است. مجموع تلفات افراد ملکی ۳۶۰۶ نفر می باشد که ازین رقم، ۱۴۶۲ کشته و ۲۱۴۴ مجروحین را تشکیل می دهد که در مقایسه شش ماه اول سال ۲۰۱۰، ۱۰ درصد افزایش یافته است.

^{۲۳} به اساس یادداشت های دپارتمنت امنیت و مصونیت سازمان ملل متحد، از ۲۰۰۳ به این طرف که اولین بار حوادث امنیتی به ثبت رسیده بود، نیمه اول سال ۲۰۱۱، با ۱۱۸۲۶ حادثه شاهد بلند ترین رقم حوادث امنیتی بوده که در نیمه اول سال ۲۰۱۰، ۸۲۴۲ و در نیمه اول سال ۲۰۰۹، ۵۰۹۵ حادثه به ثبت رسیده بود. بخشهای جنوب و جنوب شرق ۶۴ درصد از حوادث را بخود اختصاص داده که تقریباً دو سوم تمام حادثات را شامل می گردد. هرچند که نرخ صعود ماهانه حادثات در حوزه غرب با ۳۵ درصد بلند ترین سطح را بخود اختصاص داده است. نبرد مسلحانه و انفجار مواد انفجاری تعبیه شده، ۷۱ درصد از تمام حوادث ثبت شده را تشکیل می دهد. دپارتمنت امنیت و مصونیت سازمان ملل متحد بلند ترین رقم حوادث امنیتی را در مقایسه ای تمام ماه ها برای ماه جون به ثبت رسانیده است.

^{۲۴} مصاحبه هیأت معاونت ملل متحد با دفتر ضد مواد انفجاری تعبیه شده ای آیساف در ۱۰ جولای ۲۰۱۱. بر اساس گفته های آنها در ۱۲ ماه آخر، آیساف و نیروهای امنیتی افغان به تعداد ۲۰۰۰ حلقه مواد انفجاری تعبیه شده را از بین برده، در مورد ۱۳۰۰۰ هزار آن معلومات تخنیکی بدست آورده و آزمایش نمودند که ۶۵ درصد از مجموع آنها که از بین رفته را تشکیل می دهد. از آن تعداد مواد انفجاری که مورد بررسی قرار گرفته، ۶۹ درصد آن را ماین های تشکیل می داد که با تماس قربانی اش منفجر می گردد، که ۹۰ درصد آن از طرح های ماین های که با فشار منفجر میگردد، استفاده شده بود. به پاورقی ۴۸ نیز مراجعه گردد.

در شش ماه اول سال ۲۰۱۱، حملات انتحاری ۲۷۶ فرد ملکی را کشته اند که ۱۹ درصد مجموع کشته شده گان افراد ملکی و ۲۴ درصد مجموع کشته شده گان که به نیروهای مخالف دولت نسبت داده می شود را تشکیل می دهد. هرچند که ارقام حملات انتحاری با مقایسه سال گذشته تقریباً در سطح مشابه قرار دارند، کشته شدن افراد ملکی توسط حملات انتحاری در مقایسه با تاکتیک های دیگر شاهد افزایش وسیع بوده که در مقایسه عین مدت در سال گذشته ۵۲ درصد افزایش یافته است. حملات انتحاری بیشتر به شکل مرکب که غالباً از چندین انتحاری به شکل حملات غیر متعارف استفاده می شد، صورت می گرفت که در نتیجه آن تعداد زیادی از افراد ملکی کشته شدند.

ترور افراد ملکی همان طوریکه در سال گذشته میزان بالای را داشت، در شش ماه اول سال جاری نیز به همان منوال ادامه داشت. با این نوع حملات، اعضای شورای ولایتی، والی ها، ولسوال ها، قومندانان پولیس، اعضای شورای عالی صلح و کمیته های آن، بزرگان قوم و جنگجویان که میدان جنگ را ترک گفته و تلاش می نمودند تا با جامعه بی پیوندند، مشخصاً مورد هدف قرار می گرفتند. از ماه جنوری تا جون ۲۰۱۱، بر اساس کشفیات یوناما، ۱۹۰ فرد ملکی به شکل هدفمند ترور گردیده که در سال گذشته در عین مدت به تعداد ۱۸۱ فرد ملکی ترور گردیده بود.



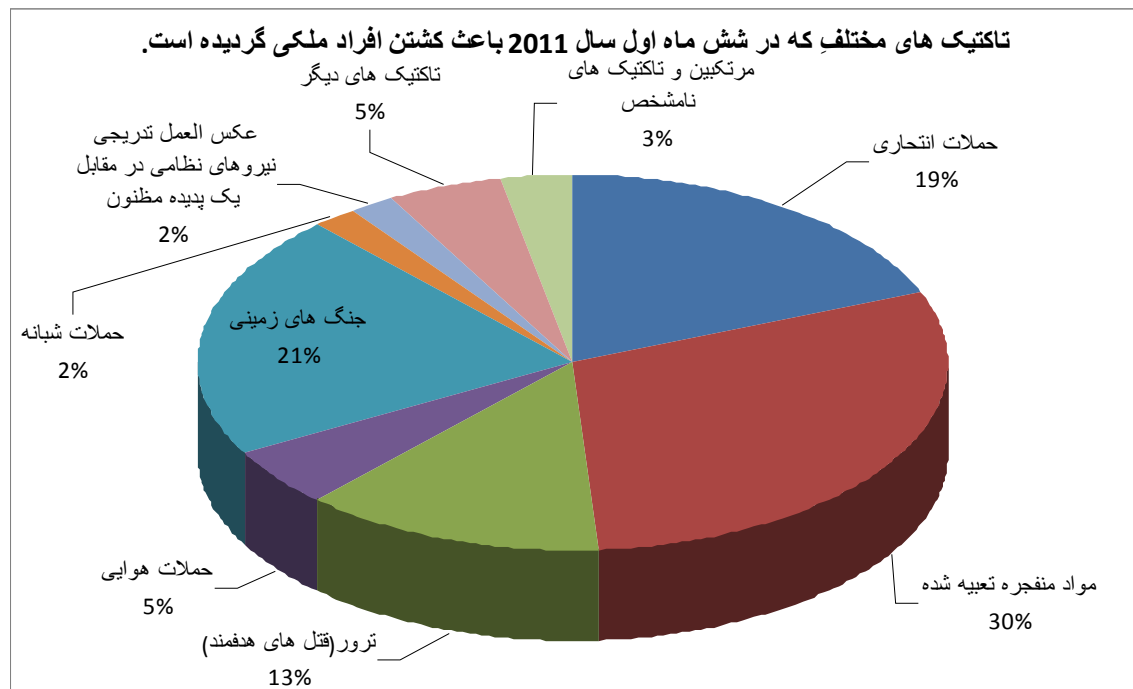
حملات هوایی پیشگام بودن خودش را در کشتن افراد ملکی حفظ نموده است. تمام حملات هوایی^{۲۵} در افغانستان توسط نیروهای بین المللی کمک امنیت صورت گرفته است. در شش ماه اول سال ۲۰۱۱، به تعداد ۷۹ فرد ملکی کشته شده، به حملات هوایی نسبت داده می شود که در مقایسه عین مدت سال ۲۰۱۰، ۱۴ درصد افزایش نموده است. دلیل افزایش کشتن افراد ملکی در اثر حملات هوایی ظاهراً همانا استفاده از هلیکوپترهای آپاچی است. در تمام سال ۲۰۱۰، ۳۳ درصد از مجموع کشته شده گان حملات هوایی به هلیکوپترهای آپاچی نسبت داده می شد یعنی ۵۶ نفر از ۱۷۱ فرد ملکی مقتول. در شش ماه اول سال ۲۰۱۱، افراد ملکی که در اثر حملات هلیکوپترهای آپاچی کشته شده ۵۶ درصد از مجموع کشته شده گان منسوب به حملات هوایی را تشکیل می دهد یعنی ۴۴ نفر از ۷۹ فرد مقتول.^{۲۶}

^{۲۵} حملات هوایی: تمام حملات هوایی که از طیاره های نظامی صورت می گیرد را شامل می شود. مانند جنگ افزار که از طیاره، هلیکوپتر و طیاره های بی سر نشین فیر و پرتاب می گردد.

^{۲۶} به تاریخ ۵ جون ۲۰۱۱، در یک جلسه ای با اداره ردیابی تلفات افراد ملکی آیساف، حقوق بشر سازمان ملل متحد اطلاع یافت که آیساف برای مأموریت حمایت از جنگ های زمینی از هلیکوپترهای آپاچی (اچ - ۶۴) چنانچه در این گزارش تذکر یافته استفاده می کند.

تلفات افراد ملکی در نتیجه جنگهای زمینی و نبرد مسلحانه در جریان شش ماه اول سال ۲۰۱۱، افزایش یافته است. از اثر جنگهای زمینی بین نیروهای دولت و همکاران بین المللی شان و عناصر مخالف دولت ۳۰۴ فرد ملکی کشته و ۳۵۴ نفر دیگر زخمی گردیده اند که در مقایسه سال ۲۰۱۰، کشته شده گان ۳۶ درصد و مجموع تلفات یعنی کشته و مجروح ۸ درصد افزایش را نشان می دهد. قتل ۱۸۸ فرد ملکی ناشی از جنگهای زمینی به نیروهای مخالف دولت، مرگ ۶۶ فرد ملکی به نیروهای دولتی و همکاران شان نسبت داده شده و ۵۰ فرد ملکی در اثر فیرهای متقابل کشته شده اند.

دو درصد مجموع تلفات افراد ملکی در نتیجه حملات شبانه اتفاق افتاده که بامقایسه عین مدت سال ۲۰۱۰، اندکی کاهش یافته است.^{۲۷} بر اساس اسناد یوناما در جریان حملات شبانه ۳۰ فرد ملکی کشته و ۱۴ فرد ملکی مجروح گردیده اند. رنجش ناشی از این نوع حملات در میان مردم افغانستان روند صعودی داشته، تظاهرات خشونت آمیز به تعقیب بعضی از حملات شبانه منجر به تلفات افراد ملکی گردیده است. به حیث نمونه حادثاتی که بعد از حملات شبانه در ولایت ننگرهار، شهر کندهار و شهر تالقان اتفاق افتاد، تظاهرات خشونت آمیز جهت اعتراض بر همچون حملات شبانه اتفاق افتاد که پولیس بر جمع از مردم آتش گشود و افراد ملکی کشته و زخمی گردیدند.



²⁷ به نوشته گال، کارلوتا تحت عنوان "حملات شبانه برای طالبان محدودیت ایجاد کرده اما افغان ها می گویند که این تاکتیک باعث تلفات افراد ملکی می گردد" مراجعه گردد. نیویورک تایمز، ۸ جولای ۲۰۱۱. از قول مقامات ناتو و افغان گفته شده که میانگین حملات شبانه در هر ماه ۳۰۰ حمله می باشد. هیأت معاونت ملل متحد خاطر نشان میسازد که مشکل است یک رقم خیلی موثق از حملات شبانه را دریافت، بخاطریکه گروپ های بی شماری مانند آیساف، اردوی ملی افغانستان، نیروهای ویژه داخلی و خارجی و پولیس مرزی افغانستان گاهی بطور مستقل و گاهی مشترک بدون شفافیت، به شکل فراوان و در یک محدوده وسیع همچون حملات را انجام میدهند. هیأت معاونت ملل متحد از آیساف بطور مکرر در مورد ارقام حملات شبانه و تلفات افراد ملکی ناشی از این تاکتیک درخواست نموده اما آیساف بیان نموده که این رقم سری و محرمانه میباشد. یوناما حملات شبانه را که تلفات افراد ملکی را نیز به دنبال داشته بر اساس محدودیت ها در محیط عملیاتی و دست رسی محدود به معلومات بطور کامل گزارش داده نتوانسته است.

بالا رفتن تلفات افراد ملکی نمایانگر عمق بیشترِ خشونت‌ها در زندگی روزانه افراد ملکی می‌باشد.^{۲۸} با توجه به مسؤلیت انتقال امنیت از نیروهای بین‌المللی به نیروهای دولتی افغان در بخش‌های متعدد کشور در ماه جولای، خشونت افزایش یافته چون شورشیان تلاش مینمایند تا با افزایش خشونت‌ها و حملات نشان دهند که نیروهای امنیتی افغانستان امنیت را تأمین کرده نمی‌توانند. علاوه‌تاً گروه‌های مسلح مختلف وجود دارد که تلاش می‌نمایند تا برنامه صلح و مصالحه را تخریب نمایند، جریان رو به رشد خشونت و خونریزی در شش ماه اول سال ۲۰۱۱، کشتن و مجروح نمودن را در سطح بی‌سابقه‌ای در روند درگیری‌های کنونی برای افراد ملکی افغان به ارمغان آورده است.

علاوه‌تاً بخاطر تغییر در تاکتیک جنگی، ساحات جدید توسط نیروهای مخالف دولت در شش ماه اول سال ۲۰۱۱، مورد حمله قرار گرفتند. یوناما، اولین قضایای حمله بر دو شفاخانه را به شکل مستند به ثبت رسانیده که اساساً این مکان‌ها بر مبنای حقوق بین‌المللی بشر دوسانه از جمله مکان‌های محافظت شده تلقی می‌گردد. طالبان مسؤلیت حمله انتحاری در ۲۱ ماه می را بر شفاخانه نظامی در کابل به عهده گرفت که در اثر این حادثه شش نفر محصل فاکولته طب کشته شدند و ۲۳ نفر دیگر مجروح گردیدند. یوناما حمله دومی را بر یک شفاخانه هنگامی به ثبت رسانیده است که در ۲۵ جون یک انتحار کننده مواد انفجاری اش را در شفاخانه‌ای در ولسوالی ازره ولایت لوگر منفجر نمود که ۲۰ فرد ملکی را که در بین شان ۱۳ طفل نیز حضور داشتند و در صف واکسین منتظر بودند را کشتند و ۴۳ فرد ملکی دیگر را که اطفال و زنان را نیز شامل میشدند، مجروح ساختند.

استخدام اطفال در چوکات گروه‌های مسلح از جمله نگرانی‌های عمده در شش ماه اول سال ۲۰۱۱ بود. در ۱ می در ولایت پکتیکا، یک انتحار کننده‌ای ۱۲ ساله که به حیث جوان‌ترین انتحار کننده تا هنوز به ثبت رسیده، سه نفر فرد ملکی را کشتند و ۱۲ فرد ملکی را مجروح ساختند. یوناما استفاده از طبقه‌انث در حملات انتحاری را یاد داشت نموده است، در تاریخ ۴ جون، طالبان مسؤلیت حمله‌ای را به عهده گرفت که یک خانم ۲۰ ساله انتحاری کاروان نیروهای بین‌المللی را در ولسوالی مرواره ولایت کنر مورد هدف قرار داد. در ۲۶ جون در ولسوالی چارچینه ولایت ارزگان، یک دختر هشت ساله بعد از آنکه ناخود آگاه از اش به عنوان حمله کننده انتحاری استفاده شد به قتل رسید. شورشیان به دختر کوچک هدایت داده بودند که یک بسته‌ای از مواد انفجاری را به طرف موتر پولیس بیاورد، با کنترل از راه دور مواد انفجاری را منفجر ساختند که منجر به کشته شدن طفل گردید و هیچ فردی دیگر در اثر این حادثه کشته و مجروح نگردید. بر اساس اسناد یوناما، طالبان از تاکتیک‌های استفاده می‌نمایند تا افراد ملکی را به زور وادار نماید که از آنها حمایت کنند. بطور مثال، در ضمن وحشت که در اثر انفجارات مواد انفجاری تعبیه شده ایجاد می‌گردد، کشتارهای هدفمند و سایر حملات عمدی علیه افراد ملکی، استفاده طالبان مدام از تاکتیک‌های تهدید آمیز مانند شب‌نامه‌ها، تهدید شفاهی، اختطاف و ایجاد پوسته‌های غیر قانونی، افراد ملکی را جبراً مجبور می‌گردانند تا از آنها حمایت کنند. در ماه می سال جاری تهدید در مقابل افراد ملکی که ارتباط با دولت افغانستان داشتند در ولایات لوگر، نورستان، کنر، ننگرهار، سرپل و غور مشاهده گردیده که بنا بر گزارش، نیروهای مخالف دولت افراد ملکی را اختطاف نموده‌اند، آزادی رفت و آمد مردم را محدود نموده و شب‌نامه‌های را که افراد ملکی اختطار داده شده بود تا از مقام و شغل شان استعفا دهند را پخش نموده بودند.

²⁸ از زمانی که یوناما از سال ۲۰۰۷ بدین سو، تلفات افراد ملکی را به ثبت می‌رساند، ماه می مهلک‌ترین ماه برای افراد ملکی به شمار می‌رود، که به تعداد ۳۶۸ فرد ملکی کشته شده بود، به تعقیب آن ماه جون با ۳۶۰ فرد ملکی کشته شده در ردیف دوم قرار می‌گیرد. مهلک‌ترین ماه قبلی ماه اگست ۲۰۱۰ بود که به تعداد ۳۵۰ فرد ملکی کشته شده بود زیرا جریان انتخابات قبلی در این ماه قرار داشت و نوعاً ماه خشونت تلقی می‌گردد.

بر اساس کشفیات یوناما، حال آنکه طالبان از پیشرفت های در زمینه کاهش تلفات افراد ملکی در شش ماه اول سال ۲۰۱۱ صحبت می کند چنانچه در چندین اعلامیه مطبوعاتی مربوط به طالبان که در ماههای اپریل و می نشر گردیده بود، مشاهده گردید، اما پیشرفت های مطابق با معیارهای حقوق بشر دوستانه بین المللی و کارهای هدفمند عملی بخاطر کاهش تلفات افراد ملکی صورت نگرفته است.^{۲۹} طالبان مدام به شکل عمدی افراد ملکی را هدف قرار داده و به قتل رسانده است و نیز از سلاح های که تمیز بین افراد ملکی و نظامی ایجاد کرده نمی تواند، مانند مواد انفجاری که با فشار بر آن منفجر می گردد، استفاده نموده است. این مواد انفجاری تعبیه شده که دست ساز طالبان می باشد و مشابه با ماین های زمینی ضد پرسونل عمل می نماید بین اهداف ملکی و نظامی تمیز قابل نیست، بنابراین از جمله سلاح های غیر قانونی بشمار می رود. هرآن گروپی که از مواد انفجاری تعبیه شده ای که با اندک فشار منفجر می گردد استفاده می نماید با استفاده از سلاح و وسایل جنگی ممنوعه در حقیقت اصول حقوق بشر دوستانه بین المللی و قانون افغانستان را نقض می کند.

در سال ۱۹۹۸، طالبان استفاده از ماین های زمینی ضد پرسونل را منع کردند و در بیانیه های استفاده از آنها را یک عمل غیر اسلامی و ضد اسلامی تلقی نمودند.^{۳۰} استفاده اعضای طالبان از ماین که با آوردن فشار منفجر می گردد در حقیقت اعلامیه منع استفاده از ماین ها توسط طالبان را نقض می کند.

انتقال مسؤلیت امنیت از نیروهای بین المللی به نیروهای افغان که در ۲۰ جولای برنامه ریزی شده بود، در بعضی از بخش های کشور به تعقیب طرح رسمی برنامه پولیس محلی افغان صورت گرفت. یوناما مدام گزارش های مختلطی را از مقامات حکومتی و بزرگان جامعه در مورد برنامه پولیس محلی افغان اخذ نموده است که بی ثباتی در پروسه استخدام، بررسی و نگرانی های را در مورد نظارت، فرماندهی و کنترل پولیس محلی افغان مشاهده نموده است. بطور مثال در جون ۲۰۱۱ اعضای شورای ولایتی، بزرگان قوم، اعضای شورای ولسوالی و سایر اشراف جامعه از ولایت لغمان گزارش داده است که این پروسه توسط زورداران یا دلالان قدرت در سطح ولسوالی کنترل شده بود و دیدگاه شان به این پروسه طور است که با یک میکانیزم مشخص قومندانهای سابق جهادی که قبلاً توسط حکومت و جامعه بین المللی خلع سلاح شده بودند را دوباره مسلح می کنند. بعضی از صحبت کننده گان با این نظر هستند که این یک پروسه خوبی هست تا از نفوذ شورشیان در سطح قریه جات جلوگیری به عمل آید در حالیکه

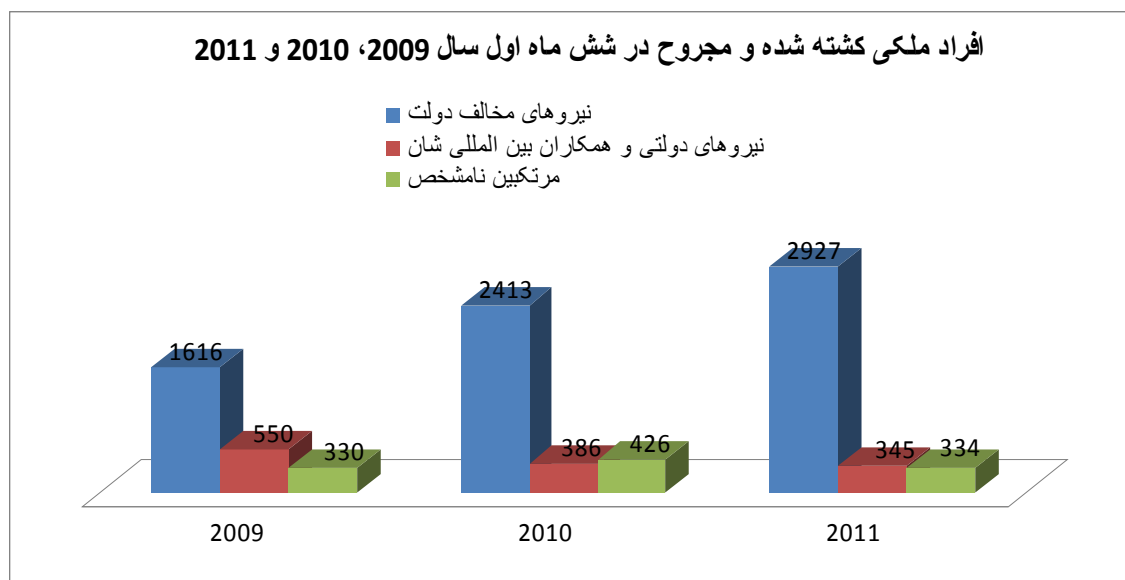
²⁹ امارت اسلامی افغانستان، "اعلامیه مطبوعاتی شورای رهبری امارت اسلامی افغانستان در مورد آغاز عملیتهای بهاری" ۳۰ اپریل ۲۰۱۱ و امارت اسلامی افغانستان "عملیات ۴۸ ساعته ای کندهار"، یک گزارش کامل در ۱۰ می ۲۰۱۱. و هم چنان به آن بخش از گزارش که به بیانیه های مطبوعاتی طالبان در مورد تلفات افراد ملکی اختصاص یافته مراجعه گردد.

³⁰ اعلامیه مطبوعاتی امارت اسلامی افغانستان در مورد مشکلات ماین های زمینی، ۱۶ اکتوبر ۱۹۹۸: ۱. در سطح بین المللی، امارت اسلامی افغانستان دعوت به عمل می آورد تا تولید، تجارت، ذخیره و استفاده از ماین های زمینی را بطور مجموع منع نماید و آماده هست تا فعالانه در این مورد همکاری نماید. ۲. در سطح ملی امارت اسلامی منع تولید، تجارت، ذخیره و استفاده از ماین های زمینی را اعلام می دارد و در مقابل مردم رنجدیده افغانستان و جامعه بین المللی خود را متعهد می سازد تا هرگز هیچ گونه ماین های زمینی را نسازد. ۳. امارت اسلامی افغانستان از تمام گروپهای مخالف دعوت به عمل می آورد تا از استفاده، تجارت و ذخیره ماینهای زمینی جلوگیری به عمل بیاورد و به مردم دلیر و رنجدیده افغانستان بیشتر از این ضرر نرساند. ۴. آنها می که در افغانستان به لحاظ اختلافات فردی، سیاسی و هر نوع اختلاف دیگر از ماین استفاده می کنند مطابق مقررات اسلامی مجازات خواهد شد. ۵. امارت اسلامی افغانستان از تمام کشورهای که معاهده او تاوا را امضا نموده قدردانی کرده و بر کشورهای که تاهنوز این معاهده را امضا نکرده تأکید مینماید تا به شکل فوری تولید، تجارت، ذخیره و استفاده از ماین های زمینی را توقف داده و به معاهده بین المللی او تاوا احترام بگذارد. "امضا و مهر توسط خادم اسلام، امیر المومنین (مجاهد) ملا محمد عمر آخوند." هیچ مدرکی نیست که طالبان این بیانیه را ملغاً نموده باشد. برای اطلاعات بیشتر به: "سایت نظارت بر ماین ها و سلاح های خوشه ای مراجعه گردد.

یک عده دیگر نگرانی های جدی شان را در باره اینکه این پروسه ممکن عامل برای بازگشت جنگ سالاری، سوء استفاده از قدرت و افزایش جرایم گردد، بیان داشته اند.

در ولسوالی مارجه ولایت هلمند بزرگان قوم به یوناما بیان داشته است که هرچند پولیس محلی افغان در حال دفاع علیه حضور دوباره طالبان می باشد ولی این خیلی زود است که بر کارکرد پولیس محلی و اینکه آیا اینها قادر خواهد بود تا در دراز مدت ثبات وضعیت امنیتی را تحکیم بخشد، قضاوت کرد.

تمام عناصر پولیس محلی افغان ضرورت دارد تا از طرف وزارت امور داخله و آن نیروهای بین المللی که بالای این پروسه کار می کنند، شدیداً نظارت گردد. کنترل و فرماندهی قوی و عمل سریع در مقابل اعمال جرمی آنها نیز ضروری می باشد زیرا باید اطمینان حاصل گردد که این برنامه باعث محافظت بیشتر افراد ملکی گردد نه اینکه محافظت افراد ملکی کاهش بیابد.



هرچند موضوع انتقال مسؤلیت های امنیتی به نیروهای امنیتی افغانستان در سه ولایت و چهار شهر داری در ۲۰ جولای رسماً آغاز گردیده است. در بعضی از بخش های متأثر از جنگ در افغانستان، نیروهای بین المللی عقب نشینی از پایگاه های نظامی و پاسگاه های دورافتاده ای شان را بطور مثال از بعضی از ولسوالی های ولایت کنر در سال ۲۰۱۰ آغاز کرده است، یوناما نگرانی های را در مورد محافظت حقوق بشر به تعقیب این عقب نشینی ملاحظه نموده است.

در شش ماه اول سال ۲۰۱۱، یوناما تلفات افراد ملکی را که ناشی از عملیات های ضد شورشی بوده و توسط نیروهای پاکستانی در مربوطات اداره فدرالی قبایل نشین که سرحدات ولایت کنر و ننگرهار را تشکیل می دهد صورت گرفته را به ثبت رسانیده است. این عملیاتها منجر به تلفات افراد ملکی و بی جا شدن افراد ملکی افغانستان گردیده است. مقامات دولتی در کنر تأیید نموده که بین ۱۵ - ۳۰ جون، ۲۸۹ گلوله توپ از طرف پاکستان فیر گردید که در ولسوالی های شیگل، سیرکانی، ناری، دانگام و اسمار اصابت نمودند. در مجموع ۱۴ نفر به شمول ۸ طفل به قتل رسیده و ۱۶ نفر دیگر زخمی گردیدند. هم چنان مقامات در ولسوالی گوشته ولایت ننگرهار فیرهای گلوله توسط پاکستان در ماههای اخیر را که در اثر آن ۲۰۰۰ فرد ملکی بیجا شده است را گزارش داده است. کنترل ناکافی نیروهای امنیتی افغان از ساحات سرحدی، حوزه فعالیت های شورشیان را پهن تر کرده و ضرورت عملیات ها را علیه شورشیان افزایش می دهد که این موضوع غالباً افراد ملکی را نیز آسیب می رساند.

با کاهش امنیت افراد ملکی در جریان شش ماه اول سال ۲۰۱۱، افراد ملکی مکان های اندکی را برای پناهگاه و محافظت پیدا نمودند. افراد ملکی بطور روز افزون زمانی که بین دو طرف درگیر در منازعه قرار می گیرند مورد تهدید قرار گرفته اند، و نیز بنا بر خواسته های طرفین درگیر، با تهدید و خشونت در معرض جنگ و رقابت قرار گرفته و بدون توجه به انتخاب خود آنها که کدام طرف را حمایت کند، غالباً حق انتخاب از آنها گرفته شده است. چنان چه یک فرد ملکی از ولسوالی مارجه ولایت هلمند به یوناما گفت: "طالبان در هر خانه ای که دلشان بخواهد به زور وارد می شوند، بعد آنها از این خانه بالای نیروهای اردوی ملی افغانستان و نیروهای خارجی آتش می گشایند، بعد نیروهای که بالای شان فیر صورت گرفته به عکس العمل مشابه دست زده و بر خانه فیر می کنند. اما اگر من به طالبان بگویم که در خانه وارد نگردد، طالبان مرا می کشند. پس پاسخ چه می تواند باشد؟ زیرا، یا آیساف مرا می کشد و یا هم طالبان مرا می کشد. مردم که نمی توانند چنین زندگی کنند."^{۳۱}

در کشتن و مجروح ساختن افراد ملکی مهم نیست که کیهما مسؤل هستند، چیزی که قابل نگرانی است همانا تأثیر غم انگیز و دیرپای است که حادثه بالای اعضای خانواده قربانیان و جامعه بجا می گذارد. افراد ملکی فقط زمانی برنده خواهند بود که تلفات افراد ملکی در سراسر افغانستان کاهش بیابد. یوناما از نیروهای مخالف دولت و نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان می خواهد تا کارهای بیشتر را انجام دهد تا به افراد ملکی احترام گذاشته و محافظت افراد ملکی را افزایش دهد و به شکل کامل مسؤلتهای قانونی شان را مد نظر گرفته تا تلفات افراد ملکی و آسیب رساندن به مردم ملکی را به حد اقل رساند.

در ضمیمه ۱، یوناما به بیانیه طالبان در مورد اعلامیه مطبوعاتی ۱۱ جون یوناما که به تعداد ۳۶۸ فرد ملکی کشته شده را در ماه می به ثبت رسانیده بود و ۸۰ درصد آن به نیروهای مخالف دولت نسبت داده شده بود، پاسخ می دهد. طالبان بیانیه ای را در ۱۲ جون به نشر رسانید، تلفات افراد ملکی را انکار کرده بود و نیز یک لیست از حوادث را تهیه کرده بود که گویا آن حوادث در گزارش یوناما گنجانیده نشده بود. یوناما چگونگی حوادث فرستاده شده را بررسی نمود و پاسخ شان را به طالبان فرستاد که در این پاسخ به هریک از حوادث جواب گفته شده بود و تحقیقات و گزارش های یوناما را در مورد حوادث تأیید نمودند.

³¹ مصاحبه هیأت معاونت ملل متحد با افراد ملکی در ولسوالی مارجه، جون ۲۰۱۱.

پیشنهادات

یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در گزارش سالانه ای ۲۰۱۰ شان در مورد محافظت از افراد ملکی اقدامات کلیدی را جهت افزایش محافظت افراد ملکی به اطراف درگیر پیشنهاد نموده بودند. طرفین درگیر پیشنهادات را بطور کامل انجام ندادند. یوناما بار دیگر پیشنهادات زیر را ضمیمه و مطرح می سازد:

خطاب به نیروهای مخالف دولت

- با پیروی از اصول حقوق بشر دوستانه بین المللی که شامل اصول تناسب، تمیز و احتیاط می شود، از تلفات افراد ملکی جلوگیری به عمل آید.
- فرد ملکی را طوری باید تفسیر نمود که همسان و مطابق با نورم های حقوق بشر دوستانه بین المللی باشد.
- توقف فوری هدف قرار دادن افراد ملکی، افراد که از هر نوع حمله بر مبنای مقررات بین المللی محافظت گردیده اند. فرمانهای که حمله بر افراد ملکی و کشتن افراد ملکی را اجازه میدهد، پس گرفته شود.
- توقف فوری حملات بر شفاخانه ها.
- توقف فوری استفاده از ماین های کنار جاده که با اندک فشار منفجر می گردد، منع استفاده از آن توسط افراد و تعهد به شکل همگانی در ممنوع ساختن استفاده از این نوع سلاح غیر قانونی که بدون تمیز انسان می کشند. تأکید مجدد بر تعهد که توسط طالبان در سال ۱۹۹۸ بر منع استفاده از ماین های زمینی اعلام گردیده بود و تقویت بخشیدن ممنوعیت آن بر تمام اعضای طالبان.
- لایحه یا رهنمودهای که به اعضاء هدایت بدهد تا حملات بر افراد ملکی را انجام ندهد و آن اعضاء که افراد ملکی را می کشند و مجروح می سازند را پاسخده نگه دارد، تطبیق و اجرا گردد.
- بر قراری ارتباط با یوناما، در قالب گفتگو و شریک ساختن معلومات در مورد تلفات افراد ملکی.

خطاب به نیروهای حکومت افغانستان

- یک اداره دایمی، مسلکی و قدرتمند در چوکات حکومت ایجاد گردد تا حادثات منجر به تلفات افراد ملکی را تحقیق نموده، پاسخ داده و گزارش نماید.
- یک گروه ردیابی تلفات افراد ملکی مشابه به اداره ردیابی تلفات افراد ملکی در آیساف ایجاد گردد تا تمام حادثات منسوب به نیروهای امنیتی ملی افغان که منجر به تلفات افراد ملکی می گردد را به شکل مطلوب و بموقع تعقیب کند، این گروه درسهای را که از حادثات گرفته می شود فراهم ساخته تا حوادث ناخوشایند دوباره تکرار نگردد، روحیه محافظت از افراد ملکی، جبران خسارت و پاسخدهی را تقویت ببخشد.
- اقدامات را با هماهنگی نیروهای نظامی بین المللی توسعه داده و اجرا نمایند تا افراد ملکی را که مورد هدف قرار می گیرند و یا حمله بالای شان صورت می گیرد را، محافظت نماید.

- از آموزش مطلوب تمام نیروهای امنیتی افغان اعم از پولیس و ارتش در قالب آموزش تمام اساسات حقوق بشر دوستانه بین المللی و حقوق بشر، اطمینان حاصل گردد. همچون آموزش الزامی تلقی گردیده و در برنامه های آموزشی تمام نیروهای امنیتی افغان شامل گردد.

- پولیس ملی افغان را برای کنترل اجتماعات به طور شایسته آموزش داده و مجهز نمایند. پولیس ملی افغان باید به وسایل بدیلی مجهز گردد تا پولیس دیگر یک نیروی کشنده نباشد. از آموزش کافی با معیارهای قانونی و تطبیق همچون بدیل ها اطمینان حاصل گردد.

خطاب به نیروهای نظامی بین المللی

- در جریان طرح و اجرای عملیات های نظامی، تمام اقدامات احتیاطی ممکن برای حد اقل رساندن و جلوگیری از تلفات تصادفی افراد ملکی و تخریب اهداف ملکی مد نظر گرفته شود. تمام رهنمود های جدید بطور کامل و هرچه عاجل مورد تطبیق قرار بگیرد.

- از آموزش مطلوب پرسونل هلیکوپترها بر مبنای رهنمودهای تاکتیکی در زمانی که از نیرو استفاده می گردد و از اجرای رهنمودهای تاکتیکی در زمانی که از هلی کوپترها در مأموریت های حمایت از حملات جنگی استفاده میشود، اطمینان حاصل گردد. دلایل اینکه چرا آمار تلفات افراد ملکی بواسطه هلی کوپتر های آپاچی روند صعودی داشته، بررسی گردد و تغییرات بوجود بیاید تا محافظت افراد ملکی بهبود یابد.

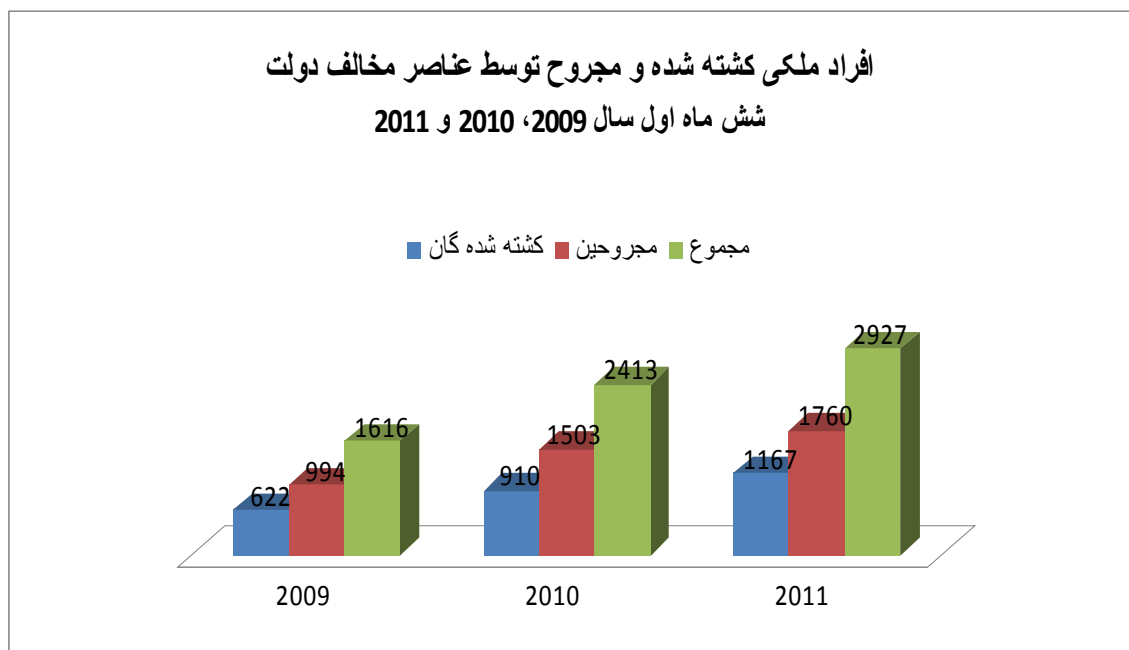
- رهنمود تاکتیکی حملات شبانه، نشر ۲۳ جنوری سال ۲۰۱۰ بازنگری گردد، در مورد تمام حملات شبانه از الزامی بودن و غیر اختیاری بودن تمام عناصر رهنمود بدون استثناً اطمینان حاصل گردد. در صورت تهیه هر نوع رهنمود جدید در مورد حملات شبانه بنابر تداوم تلفات افراد ملکی در اثر این نوع حملات، رهنمود باید بیشتر محدود کننده باشد. تمام حملات شبانه با هدایت و رهبری نیروهای امنیتی افغان صورت گیرد. که این همان هدف نهایی است که عملیات ها در یک قلمرو بدست صاحبان آن قلمرو باید انجام شود.

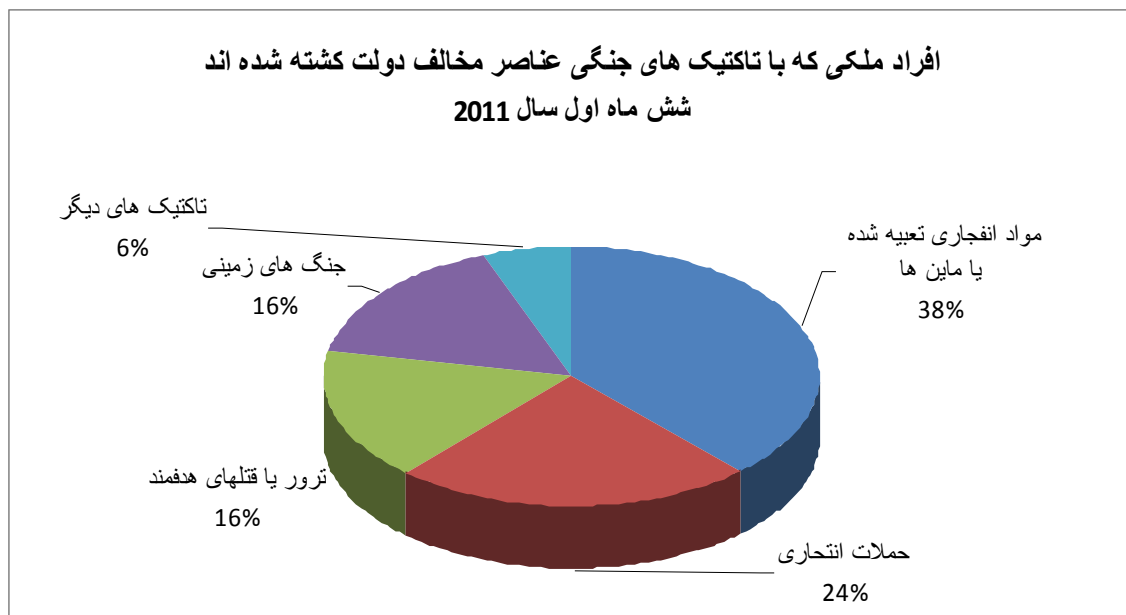
- از آموزش مناسب نیروها در ارتباط به تاکتیک های (ایسکلیشن اف فورس) یعنی افزایش تدریجی عکس العمل نیروها در مقابل یک پدیده مظنون، تکنیک ها و طرز العمل های که رویه ای عملیات معیاری را در مورد نیز شامل میگردد، اطمینان حاصل گردد. محل بازرسی و نیروهای واکنش سریع با وسایل بدیلی مجهز گردد که این نیروها دیگر کشنده تلقی نگردد. آگاهی ها توسط وسایل همگانی بخصوص توسط رادیو اجرا گردد تا اطمینان حاصل گردد که افراد ملکی از طرز العمل و شیوه کار بازرسی ها و کاروان نظامی بطور مناسب، مطلع گردد.

عناصر ضد دولتی و محافظت از غیر نظامیان

نگاه اجمالی

نیمه اول سال ۲۰۱۱ شاهد افزایش در میزان تلفات افراد ملکی از سوی عناصر ضد دولتی بود. از ۱ جنوری الی ۳۰ جون ۲۰۱۱، ۲۹۲۷ مورد تلفات افراد ملکی به عناصر ضد دولتی نسبت داده شده است که از این جمله ۱۱۶۷ مورد آن مرگ و ۱۷۶۰ مورد دیگر آن جراحت می باشد. این نشان دهنده یک افزایش ۲۱ درصدی در قتل و جرح افراد ملکی از سوی عناصر ضد دولتی در مقایسه با عین مدت در سال ۲۰۱۰ می باشد. کشته شده گان منسوب به عناصر ضد دولتی به شکل صعودی ۸۰ درصد از مجموع کشته شده گان ملکی را تشکیل داده که در مقایسه با عین مدت در سال ۲۰۱۰، ۷۲ درصد بوده است. عوامل عمده این امر، همانا افزایش تلفات ملکی از ناحیه حملات انتحاری، جنگ زمینی، کمپاین مداوم قتل های هدفمند و استفاده زیاد از حملات مواد منفجره تعبیه شده می باشد.





اعلامیه های طالبان در مورد تلفات غیر نظامیان

در نیمه اول سال ۲۰۱۱، طالبان اعلامیه های متعددی را در ارتباط با تلفات افراد ملکی منتشر نمودند. مروری بر این اعلامیه ها نشان می دهد که یک گفتمان در حال رشد پیرامون اقدامات بهتر به منظور کاهش دادن تلفات ناشی از حملات انتحاری از طریق اتخاذ تدابیر احتیاطی در هنگام عملیات های نظامی و با استفاده از تاکتیک ها، سلاح ها و انتخاب اهداف در حال شکل گیری است.

در اعلامیه مورخ ۳۰ اپریل ۲۰۱۱ طالبان، پیرامون "آغاز عملیات های بهاری و یا عملیات بدر" تذکر داده شده بود که طالبان حملات شان را بر اهداف دارای ماهیت نظامی متمرکز خواهد کرد، در حملات از اقدامات احتیاطی کار خواهد گرفت و بر ضرورت محافظت افراد ملکی به شکل زیر اشاره شده بود:

"جهت محافظت و مصونیت افراد ملکی طی عملیات بهاری از طریق طرح یک پلان نظامی دقیق باید توجه جدی صورت گیرد. با بهره گیری از همه تاکتیک های به اثبات رسیده نظامی، عملیات مذکور بر استفاده از پیشرفته ترین تسلیحات علیه نیروهای هوایی و زمینی متجاوزین، حملات بزن و بگریز، حملات گروهی، حملات شهری، حملات انفجاری پیشرفته، حملات مؤثر گروهی و شهادت طلبانه توسط مجاهدین تأکید و تمرکز خواهد نمود."³²

در بیانیه صادر شده در ۱۰ می ۲۰۱۱ پس از حمله ۴۸ ساعته در قندهار، طالبان تأکید نمودند که همه اهداف شان دارای ماهیت نظامی بودند. آنان اظهار داشتند: "باید یاد آور شد که مجاهدین در زمان عملیات شان تنها تأسیسات دولتی را مورد حمله قرار دادند و هیچ یک از افراد ملکی آسیب ندیده است."³³

³² امارت اسلامی افغانستان، "بیانیه شورای رهبری امارت اسلامی افغانستان به مناسبت آغاز عملیات بهاری"، ۳۰ اپریل ۲۰۱۱، پاراگراف ۴.

³³ امارت اسلامی افغانستان، "گزارش عملیات ۴۸ ساعته قندهار"، ۱۰ ماه می ۲۰۱۱. یوناما یاد آور می شود که عملیات قندهار تلفات ملکی را که عبارت از ۵ کشته و ۲۶ زخمی بود به بار آورد. تعداد تلفات ثبت شده در این حملات در مقایسه با حملات بزرگ که قبلاً صورت گرفته است، کمتر بوده است. تحلیل نحوه انتخاب

به هر صورت یوناما بر این نظر است که پاراگراف ۷ اعلامیه مورخ ۳۰ اپریل طالبان بار حفاظت افراد ملکی را به عهده مردم ملکی گذاشته است نه برطرفهای درگیر در منازعه. طالبان به غیر نظامیان دستور می دهند تا "از تجمعات، کاروان های نظامی و مراکز دشمن دور بمانند تا از آسیب های حملات انجام شده توسط مجاهدین علیه دشمن مصون باشند" ³⁴ یوناما تأکید می ورزد که مسئولیت حفظ جان افراد ملکی مسئولیت بالفعل همه طرفهای درگیر در منازعه است. این مسئولیت افراد ملکی افغان نیست که جان خویش را از تأثیرات جنگ محافظت کند بلکه مسئولیت حقوقی طرفهای متخاصم است تا تدابیر فعالانه ای را برای حصول اطمینان از این امر که افراد ملکی در جریان علمیات های نظامی شان آسیب نبینند، روی دست گیرند.

یوناما همچنین بیانیه های مندرج لایحه سال ۲۰۱۰ طالبان مبنی بر محافظت افراد ملکی را قابل توجه می داند. به عنوان مثال، پاراگراف ۵۷ آن که پیرامون حملات انتحاری است ایجاب می کند که از تلفات افراد ملکی خود داری شود. این بخش البته اهداف را تنها به اهداف مشروع نظامی منحصر نمی سازد و ممکن است اجازه قتل هدفمند یا ترور افراد ملکی را نیز بدهد. ³⁵ پاراگراف ۶۵ از رهبران و اعضای طالبان می خواهد تا "برای حصول اطمینان از مصونیت و امنیت افراد ملکی، بهترین تدابیر ممکن را اتخاذ نمایند" و به حساب دهی در صورت "غفلت" اشاره می کند. هرچند میکانیزم این حساب دهی چندان روشن نیست.

یوناما یاد آور می شود که پاراگراف ۶۵ می تواند استفاده از سلاح های خالی از تبعیض مانند مواد منفجره کارگذاری شده که در اثر فشار وزن منفجر می شود و در تناقض با حقوق بشر دوستانه بین المللی هست که بر مبنای آن ایجاب می کند همه اقدامات احتیاطی ممکن برای محافظت از افراد ملکی گرفته شود و به شکل بحث بر انگیز در تناقض با لایحه مورد نظر هست را ممنوع قرار دهد. این مواد منفجره که ماهیتاً هیچ گونه تمیزی را میان واسطه نقلیه مینی بس حامل افراد ملکی و وسایط نقلیه نظامی نمی تواند قایل شود، از جمله سلاح های که قدرت تمیز را ندارند تلقی می شود، من حیث ماین زمینی کار می کنند و بکارگیری آن حقوق بشر دوستانه بین المللی را نقض می نماید. ³⁶

در نتیجه، هر چند لحن گفتار طالبان در ارتباط با جلوگیری از تلفات ملکی بهبود یافته است، ولی یوناما هیچگونه بهبودی را در پایبندی به حقوق بشر دوستانه بین المللی و یا کاهش تلفات ملکی توسط طالبان که ناشی از بهبود در شیوه های هدفگیری باشد،

اهداف توسط طالبان نشان می دهد که آنها عموماً تأسیسات کنترل و فرماندهی نظامی را هدف قرار داده اند هرچند در مواردی مراکز پولیس ترافیک را نیز هدف قرار داده اند که یوناما آن را یک مرکز غیر نظامی تلقی می کند.

³⁴ امارت اسلامی افغانستان "بیانیه شورای رهبری امارت اسلامی پیرامون آغاز عملیات بهاری" ۳۰ اپریل ۲۰۱۱ فقره ۷. همه مردم افغانستان باید به خاطر داشته باشند که از تجمعات، کاروان ها و مراکز نظامی به دور بمانند تا در جریان عملیات مجاهدین علیه دشمن از آسیب ایمن باشند و یا اینکه مبادا دشمن بلافاصله بعد از عملیات مجاهدین از ایشان انتقام بگیرند.

³⁵ امارت اسلامی افغانستان "لایحه" ۳۰ می ۲۰۱۰ پاراگراف ۵۷. چهار مورد ذیل باید در جریان عملیات های فدایی (انتحاری) مد نظر گرفته شود: نخست: حمله کننده فدایی (انتحاری) باید قبل از اجرای حمله به شکل مناسب آموزش ببیند. دوم: حملات فدایی باید علیه اهداف عمده و مهم اجراء شوند. این اعضای دلیر امت اسلامی نباید به خاطر هدف های کم ارزش مورد استفاده قرار گیرند. سوم: حد اکثر کوشش باید برای جلوگیری از تلفات ملکی در جریان اجرای حملات فدایی به خرج داده شود. چهارم: به جز از مجاهدینی که توسط رییس با یک برنامه ویژه این مسئولیت به عهده اش انداخته شده و یا اجازه داده شده، همه مجاهدین مکلف اند تا برای اجرای حملات فدایی اجازه قوماندان ولایتی را کسب نمایند.

³⁶ امارت اسلامی افغانستان، لایحه، ۳۰ می ۲۰۱۱: فقره ۶۵: رهبران ولایتی و ولسوالی ها، روسای گروپ ها و بقیه مجاهدین مکلف اند تا بهترین گام های ممکن را برای تامین امنیت جان و مال افراد ملکی بردارند. در صورت مسامحه و بی تفاوتی هریک از ایشان مورد مواخذه قرار گرفته و نظر به شدت و خفت جرم مجازات خواهند شد.

ثبت نموده است. طالبان همچنان به هدفگیری مستقیم افراد ملکی و استفاده از سلاح های که قدرت تفکیک را ندارند مانند وسایل قابل انفجار توسط فشار وزن، ادامه می دهند.

این موضوع قابل توجه است که شورای علمای افغانستان فتوایی را در ماه مارچ ۲۰۱۱ صادر نمود که طی آن کشتن افراد ملکی چه توسط حملات هوایی آیساف و چه در نتیجه حملات انتحاری را محکوم نمودند.³⁷

هدف قرار دادن قرارداد کننده گان ملکی

طالبان به طور خاص کارگران ملکی را که به حکومت افغانستان و یا نیروهای طرفدار حکومت خدمات لوژیستیکی فراهم می نمایند به عنوان هدف مشروع برای حملات شان تعیین نموده اند.³⁸ در نیمه اول سال ۲۰۱۱، طالبان و دیگر گروه های مسلح به طور مستقیم این غیرنظامیان را هدف قرار دادند. یوناما ۱۲۶ حادثه را به ثبت رسانیده است که در آن ۱۲۷ کشته و ۱۶۶ زخمی از کارگران ساختمانی و سایر قرارداد کننده گان ملکی به جا مانده است. فقره ۴ لایحه سال ۲۰۱۰ طالبان، به طور خاص طالبان را دستور می دهد تا قرارداد کننده گان فراهم کننده خدمات به نیروهای دشمن را هدف قرار دهند.³⁹ این موضوع در بیانیه ۳۰ اپریل طالبان نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفت که بیانگر نیت طالبان در هدف قرار دادن قرارداد کننده گان است.⁴⁰

بر اساس کشفیات یوناما، قرارداد کننده گان و سایر کارگران افراد ملکی هستند و طبق نورم های حقوق بشردوستانه بین المللی نباید مورد هدف قرار داده شوند مگر اینکه آنها به طور مستقیم در خصومت ها سهم گرفته باشند. یوناما مرگ قرارداد کننده گان را توسط شیوه های مختلف به شمول قتلهای هدفمند، حملات مرکب، مواد منفجره تعبیه شده و حملات انتحاری مستند نموده است. حمله به کارگران ساختمانی بالا ترین میزان را در جنوب و جنوب شرق کشور داشته است.

• در ۲۷ ماه مارچ در ولایت پکتیکا، در نتیجه یک حمله مرکب با استفاده از مواد منفجره کارگذاری شده بالای یک شرکت راهسازی ۲۴ فرد ملکی کشته و ۵۹ تن دیگر زخم برداشتند.

• در ۱۸ ماه می در ولایت پکتیکا، ۳۶ کارگر ساختمانی کشته و ۱۳ تن دیگر در نتیجه حمله بر یک شرکت راهسازی زخم برداشتند. مسئولیت این حمله را شبکه حقانی به عهده گرفت.

³⁷ شورای علمای افغانستان "فتوای شورای علمای افغانستان مورخ مارچ ۲۰۱۱ ماده ۵ بیان می دارد: "شورای علما قتل بیرحمانه و وحشیانه افراد ملکی به شمول زنان، پیران و کودکان توسط حملات هوایی نیروهای نظامی بین المللی و همچنین توسط حملات انتحاری عناصر ضد دولتی را محکوم می نماید."

³⁸ برای توضیحات بیشتر به پاورقی بعدی مراجعه نمایید.

³⁹ امارت اسلامی افغانستان، "لایحه"، ۳۰ ماه می ۲۰۱۰. بخش ۴: "در مورد کسانی که برای دشمن تدارکات و خدمات ساختمانی عرضه می کنند، پاراگراف ۲۵. اگر ثابت شود که قرارداد کننده گان و یا انحصار گرایان برای کافران و نهاد های غلام گونه شان، مراکز ایجاد می کنند، مواد سوخت انتقال می دهند و یا سایر تجهیزات را برای شان تهیه می کنند، مجاهدین باید دارایی های آنان را حریق نمایند و خود شان را به قتل برسانند. در صورتیکه دستگیر شوند و به قاضی ثابت شود که این افراد به راستی این فعالیت ها را انجام داده اند باید برای آنها حکم اعدام صادر شود. در صورتیکه در ولایت مربوطه قاضی مقرر نگریده باشد، موضوع قتل و مدارک آنها به والی ولایت مربوطه محول می گردد."

⁴⁰ امارت اسلامی افغانستان، "بیانیه شورای رهبری امارت اسلامی با توجه به آغاز عملیات در فصل بهار،" اپریل ۳۰، ۲۰۱۱، پاراگراف ۲: «در جریان عملیات ها هدف از قبل تعیین شده مجاهدین باید نیرو های خارجی، اعضای شبکه های جاسوسی شان و (دیگر) جاسوسان، مقامات بلند پایه رژیم دست نشانده کابل، اعضای نظامی و ملکی کابینه، اعضای پارلمان، رؤسای شرکت های خارجی و داخلی ایکه برای دشمن کار می کنند و قرارداد کننده گان باشند."

- در ۱۱ ماه می، در ولسوالی پنجوایی ولایت کندهار، یک بمب کارگذاری شده در برابر یک موتر لاری حامل کارگران استخدام شده توسط یک شرکت ساختمانی خصوصی منفجر شد که در نتیجه آن ۱۲ غیر نظامی کشته و ۲۸ تن دیگر زخمی شدند.

هدف قرار دادن مکان های محافظت شده و حملات خلاف نورم های جنگی

شفاخانه ها، از جمله شفاخانه های نظامی، اماکنی اند که تحت نورم های حقوق بشر دو ستانه بین المللی محافظت شده تلقی می گردد و نباید مورد حمله قرار گیرد.⁴¹ به تاریخ ۲۱ ماه می ۲۰۱۱ طالبان مسئولیت حمله انتحاری به شفاخانه سردار محمد داود خان در کابل که در جریان آن شش محصل طب به قتل رسیدند و ۲۳ تن جراحت برداشتند را به عهده گرفتند. تمام سربازان تحت معالجه در یک شفاخانه به عنوان "افراد خارج از میدان نبرد" تلقی می شوند و نباید مورد حمله قرار گیرند. ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان ادعا کرد هدف این حمله مریبان خارجی و داکتران افغانی بود که با آنها کار می کردند.⁴² در ۲۵ ماه جون در ولسوالی ازره ولایت لوگر، یک انتحار کننده سوار بر یک وسیله نقلیه مملو از مواد منفجره شفاخانه مرکزی ازره را منفجر ساخت. انفجار مزبور منجر به وارد آمدن تلفات زیادی در میان غیر نظامیان به شمول زنان و اطفال گردید. هر چند مقامات افغان و منابع دیگر ارقام ضد و نقیضی از تلفات این حمله ارائه نموده اند، اما این حمله دست کم منجر به کشته شدن ۲۳ غیر نظامی و زخمی شدن ۲۵ تن دیگر شده است. بیشتر قربانیان این رویداد کسانی بودند که یا به خاطر دریافت مراقبت های صحی و یا اینکه به منظور ملاقات خویشاوندان شان که مریض بودند به شفاخانه مراجعه نموده بودند و تعدادی هم کارمندان شفاخانه بودند. مریبان طبی، داکتران و محصلین طب، و افراد ملکی باید طبق حقوق بشر دوستانه بین المللی مورد حمله قرار نگیرند.

طالبان در حمله مورخ ۷ اپریل شان بر یک مرکز آموزش نیروهای پولیس از یک آمبولانس استفاده کردند.⁴³ گمراه کردن دشمن با دروغ و به شکل غیر واقعی تقاضای محافظت بر اساس حقوق بشردوستانه بین المللی، به عنوان مثال با استفاده از آمبولانس برای راه اندازی حملات علیه دشمن و کشتن یا زخمی کردن دشمن تخلف محسوب شده و طبق حقوق بشر دوستانه بین المللی ممنوع می باشد. این حمله توسط کمیته بین المللی صلیب سرخ محکوم گردید.⁴⁴ طالبان استفاده از آمبولانس را تصدیق کردند و تعهد سپردند که دیگر این کار را تکرار نکنند. بر اساس گزارش آیساف طی شش ماه نخست سال ۲۰۱۱، به تعداد ۱۵ حمله با لای هلیکوپترهای صورت گرفته که با علامه طبی مشخص گردیده است. چنین حملات نقض نورمهای حقوق بشر دوستانه بین المللی محسوب می گردد.

بالای مساجد نیز توسط طالبان حمله صورت گرفته که قانوناً از جمله اماکن محافظت شده محسوب می شود. به طور مثال، بتاريخ ۱۰ جون یک بمبگذار که واسکت انتحاری به تن داشت سعی نمود که در جریان مراسم فاتحه خوانی جنرال داود در کندوز به مسجد وارد شود. از ورود این انتحاری به مسجد جلوگیری به عمل آمد و وی مجبور شد که بمب خود را در بیرون از مسجد منفجر کند که در نتیجه تعدادی از پولیس که در فعالیت های جنگی اشتراک نداشتند، کشته شدند.

⁴¹. واحد های طبی و حمل و نقل باید محترم شمرده شوند، در همه حالات باید محافظت گردیده و باید هیچگاه هدف حمله قرار داده نگیرند. پروتوکول الحاقی ۲ ماده ۱۱ (۱) محافظت واحد های طبی و حمل و نقل.

⁴² "Taliban Bomb Kabul Hospital, 6 killed," The Times of India, ۲۲ ماه می ۲۰۱۱

⁴³ "Afghanistan: Taliban Rue Ambulance Attack" افریکان پرس انترنشنل ۱۲ اپریل ۲۰۱۱،

⁴⁴. کمیته بین المللی صلیب سرخ، "افغانستان: در حمله به کمپوند آموزش نیروهای پولیس از آمبولانس کار گرفته شد." ۷ اپریل ۲۰۱۱

استخدام، آموزش و استفاده اطفال به عنوان بمب گذاران انتحاری

یوناما با ابراز نگرانی به تعداد روز افزون به مواردی اشاره می کند که در آن از اطفال من حیث بمبگذاران انتحاری استفاده شده اند. بتاريخ ۱۰ می ۲۰۱۱ یک بیانیه طالبان از "به کار گماردن اطفال و نوجوانان در عملیات های جهادی" انکار نمود.⁴⁵ هرچند یوناما قادر نیست که به کارگیری اطفال به عنوان بمبگذار انتحاری را به گروه خاصی از شورشیان نسبت دهد ولی ما یک نکته را ملاحظه می کنیم و آن اینکه تعریف طالبان از اطفال با معیار های بین المللی مطابقت ندارد.

کنوانسیون حقوق اطفال ملل متحد (CRC) طفل را چنین تعریف می کند: هر شخص زیر سن ۱۸ سال صرفنظر از اینکه قوانین محلی چه سن را برای طفل تعیین نموده است.⁴⁶ بنا به ادعای طالبان، آنها "بچه هایی را که ریش نداشته باشند" در عملیات های نظامی استخدام نمی کند.⁴⁷ این تعریف مبهم ممکن است اجازه استفاده از پسران زیر سن ۱۸ سال در عملیات های نظامی را بدهد.

یوناما طالبان را فرا می خواند تا معیار های بین المللی در تعریف سن اطفال را چنانچه در کنوانسیون حقوق طفل آمده است به رسمیت بشناسند و تعهد بسپارند که افراد زیر سن ۱۸ سال را در عملیات های نظامی به کار نمی برند.

• بتاريخ ۲۶ جون در ولسوالی چارچینه ولایت ارزگان شورشیان یک دختر هشت ساله را مجبور نمودند تا یک بسته مواد منفجره را به طرف یک واسطه نقلیه مربوط به پولیس انتقال دهد. سپس شورشیان از راه دور بمب محتوای بسته را منفجر ساختند که باعث مرگ دختر شد. در حادثه تلفات دیگری وجود نداشت.

• بتاريخ ۱ ماه می در ولایت پکتیکا یک بمب گذار انتحاری ۱۲ ساله که بنا به گزارش ها جوان ترین بمبگذار در افغانستان تا کنون بوده است، باعث قتل سه فرد ملکی و جراحت ۱۲ تن دیگر گردید.

نیروهای امنیتی ملی افغان به شکل روز افزون اطفالی را بازداشت کرده اند که مظنون به سعی برای اجرای حملات انتحاری بوده اند که این می تواند بیانگر این باشد که اطفال بیشتری برای اجرای چنین حملاتی استخدام گردیده و آموزش می بینند.

• بتاريخ ۷ ماه می، ریاست امنیت ملی، پنج پسر بین سنین ۱۳ الی ۱۴ سال را دستگیر نمود و این اطفال به ریاست امنیت ملی اعتراف نمودند که آنها در پیشاور پاکستان برنامه های آموزشی را برای اجرای حملات انتحاری سپری نموده اند.

• بتاريخ ۳۰ مارچ مقامات در ولایت بغلان یک پسر ۱۷ ساله را که منحصی یک بمبگذار انتحاری آموزش دیده بود دستگیر نمودند و بتاريخ ۲ اپریل ریاست امنیت ملی یک مظنون بمبگذار انتحاری را که ۱۴ سال سن داشت و اصالتاً از بدخشان بود دستگیر نمودند.

⁴⁵ امارت اسلامی افغانستان، "اظهارات سخنگوی امارت اسلامی افغانستان پیرامون ادعای کاذب مبنی بر حضور کودکان در صفوف مجاهدین" ۱۰ می ۲۰۱۱.

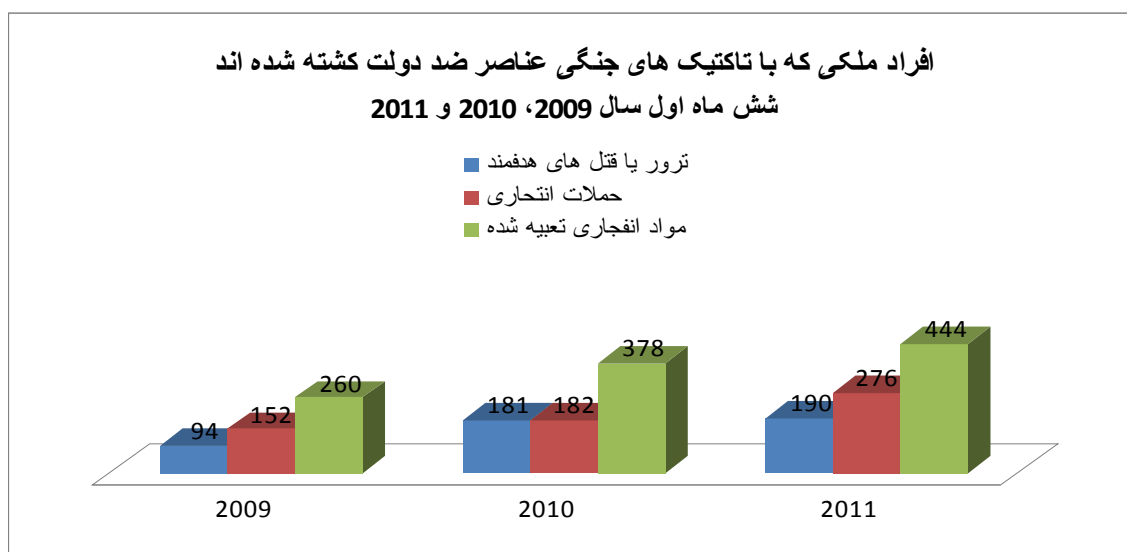
⁴⁶ اساسنامه روم مصوب توسط افغانستان در سال ۲۰۰۳ حکم می کند که جلب کودکان زیر ۱۵ سال در صفوف نیروهای مسلح ملی و نیروهای مسلح غیر ملی (غیر دولتی) و سایر گروه ها و یا استفاده شان به خاطر اشتراک فعال در خصومت ها، جرم جنگی تلقی می گردد (ماده ۸(ب) (xxvi) و ۸(ه) (vii)).

⁴⁷ امارت اسلامی افغانستان، "اظهارات سخنگوی امارت اسلامی افغانستان پیرامون ادعای کاذب مبنی بر حضور کودکان در صفوف مجاهدین"، ۱۰ می ۲۰۱۱. در این اظهارات طالبان، به ماده ۲۹ لایحه شان اشاره شده است که چنین تصریح نموده است: "نوجوانان (پسران که ریش شان نیامده است) نمی توانند در لیلیه ها و مراکز نظامی با مجاهدین باقی بمانند."

- در روز ۲۰ می، در منطقه چتراس ولسوالی پارون ولایت نورستان، یک طفل ۱۲ ساله زمانی جان باخت که یک واسکت انتحاری به طور تصادفی در جریان تمرین منفجر گردید.

تاکتیک های استفاده شده توسط عناصر ضد دولتی

مواد منفجره تعبیه شده به حیث یکی از عوامل اصلی مرگ و میر افراد ملکی موقیف خود را هم چنان حفظ نموده و در صدر این گونه حملات استفاده از مواد منفجره ای بود که توسط فشار وزن منفجر می شود. مرگ و میر ناشی از حملات انتحاری در حال افزایش بوده و همراه با مواد منفجره تقریباً نیمی (۴۹ درصد) از مجموع تلفات ملکی ناشی از منازعه را تشکیل می دهد. روند کشتار هدفمند افراد ملکی توسط طالبان با میزان بلند که در سال ۲۰۱۰ جریان داشت تاکنون شاهد هیچ نوع سیر نزولی نبوده و تقریباً با عین شدت ادامه یافته است. تلفات جنگ زمینی از سوی عناصر ضد دولتی بیشتر توسط هاوان و سایر سلاح های که به شکل غیر مستقیم شلیک می گردد صورت گرفته که هدف اصلی شان نیروهای نظامی بین المللی و نیروهای امنیتی ملی افغانستان بوده است.



حملات توسط مواد منفجره تعبیه شده

بیشترین مواد منفجره تعبیه شده ای که باعث قتل افراد ملکی می شود، از نوع مواد منفجره ای است که توسط فشار وزن منفجر می گردد. این گونه سلاح ها ماهیتاً هدف را تشخیص داده نتوانسته و نمی تواند بین اشیای ملکی و اهداف نظامی فرق قایل شود که به همین دلیل بر اساس حقوق بشردوستانه بین المللی استفاده از آن غیر قانونی اعلام شده است. به طور نمونه بتاريخ ۱۱ جون در ولایت قندهار مینی بسی که یک فامیل را به یکی از اماکن مذهبی نقل می داد، با عبور از روی بمبی که توسط فشار منفجر می شد باعث انفجار آن شد و کاملاً منهدم گردید. تمام سرنشینان این واسطه نقلیه که به ۱۶ تن می رسیدند، در اثر این حادثه جان باختند که از آن جمله هشت تن آنان طفل بودند.

دیدگاه یوناما این است که مواد منفجره تعبیه شده ای که توسط شخص قربانی به کار می افتد (منفجر می شود) در عمل حکم ماین زمینی را دارد، به این معنی که این ابزار ها مانند ماین های ضد پرسونل عمل می کنند. تقریباً دو سوم همه مواد منفجره تعبیه

شده ای که در افغانستان به کار می رود از نوع مواد قابل انفجار با فشار وزن می باشد و توسط قربانی فعال می گردد.⁴⁸ مواد منفجره بشقاب مانند که با آوردن فشار وزن منفجر می گردد طوری طراحی شده است که زمانی که شخص روی آن قدم بزند و یا واسطه نقلیه از روی آن عبور کند منفجر می شوند، و با فشار وزن ۱۰ الی ۱۰۰ کیلوگرم قابل انفجار می باشد. اکثریت مواد منفجره بشقاب مانند که با فشار وزن منفجر می گردد تقریباً بیست کیلوگرم وزن دارند که بیش از دو برابر محتوای یک ماین ضد تانک است ولی با آنهم قدرت مقاومت ماشه آن فقط برابر با یک ماین ضد پرسونل است. این به این معناست که هر بمب بشقاب مانند که با فشار وزن منفجر می گردد به معنای یک ماین بزرگ ضد پرسونل است که قابلیت تخریب یک تانک را نیز دارا می باشد؛ افراد ملکی که روی آن پا می گذارند و یا واسطه نقلیه شان را بالای آن عبور می دهند هیچگونه دفاعی در برابر قدرت تخریبی آن نداشته و شانس کمی برای نجات دارند.

طالبان، در سال ۱۹۹۸ استفاده از ماین های زمینی ضد پرسونل را ممنوع اعلان نموده و بیانیه ای را صادر نمودند که استفاده از آن را یک "عمل غیر اسلامی و غیر انسانی" عنوان نمودند.⁴⁹ استفاده از مواد منفجره قابل انفجار بشقاب مانند توسط هر یک اعضای طالبان به حکم سرپیچی از فرمان ممنوعیت ماین های زمینی توسط این گروه می باشد.

در ۶ ماه اول سال ۲۰۱۱ مواد منفجره تعبیه شده یگانه و بزرگترین عامل کشتار غیر نظامیان بوده است که ۴۴۴ فرد ملکی را کشته و این رقم ۳۰ درصد تمام کشته شده گان غیر نظامیان را در افغانستان نشان می دهد. در حالیکه این رقم ۳۸ درصد تمام کشته شدگان ملکی را نشان می دهد که توسط مخالفین مسلح دولت جان های شان را از دست داده اند. این نوع انفجارات باعث تلف شدن ۱۲۵۴ فرد ملکی شده که ۴۴۴ تن آن کشته و ۸۱۰ تن دیگر را زخمی نموده است. این رقم در مقایسه با تلفات عین زمان در سال ۲۰۱۰، ۲۱ درصد افزایش را در رقم کشته شدگان و زخمیان ناشی از مواد منفجره کارگذاری شده نشان می دهد.

مواد منفجره تعبیه شده معمولاً در محلات جاسازی می گردد که خطر آن برای غیر نظامیان بیشتر بوده است، بگونه مثال در مسیر راه های مزدحم و ساحات تجارتي همچون بازار ها. این عمل نه تنها زندگی غیر نظامیان را متأثر ساخته است بلکه به معیشت آنان نیز ضربه زده است زیرا با کشته و یا زخمی شدن غیر نظامیان، شخص که نان آور خانواده اش می باشد از بین رفته و یا توانایی پیدا نمودن نفقه خانواده خویش را از دست می دهد، ترس از مواد منفجره کارگذاری شده باعث محدود شدن آزادی رفت و آمد شده

⁴⁸ در جلسه یوناما با دفتر مبارزه با مواد منفجره تعبیه شده ای آیساف در کابل بتاريخ ۱۰ جولای ۲۰۱۱، آیساف معلومات داد که آنان کار آزمایش ۴۰۰ مواد منفجره کارگذاری شده از ۱۰۰۰ مورد خنثی شده از این نوع در افغانستان را در یک مرکز بهره برداری دفاعی بریتانیا تکمیل نموده اند تا وزنی را که باعث انفجار IED های استفاده شده در افغانستان می شود را تشخیص دهد. اکثریت این مهمات تقریباً زیر فشار وزن ده کیلو گرم انفجار نمودند و برخی دیگر که آزمایش شده بودند مقاومت آنان در برابر فشار وزن الی ۱۰۰ کیلو گرم نیز می رسیدند. بنا به معلومات ارائه شده از سوی آیساف، ماه جون از نقطه نظر انفجارات مواد انفجاری تعبیه شده تا کنون بلند ترین رقم را بخود اختصاص داده است که قبلاً به این اندازه توسط آیساف به ثبت نرسیده بود.

⁴⁹ بیانیه امارت اسلامی افغانستان پیرامون مشکل ماین های زمینی مورخ ۶ اکتوبر ۱۹۹۸: ۱. در سطح بین المللی امارت اسلامی افغانستان اعلام می نماید تا یک ممنوعیت کلی ددر تولید، تجارت و استفاده از ماین های زمینی وضع گردد و امارت اسلامی افغانستان آماده است تا به شکل فعال در این راستا همکاری کند. ۲. در سطح ملی امارت اسلامی افغانستان به طور قطع تولید، تجارت، ذخیره سازی، و به کارگیری ماین های زمینی را ممنوع قرار می دهد. و به مردم رنجدیده افغانستان و جامعه جهانی تعهد می سپارد که امارت اسلامی افغانستان ابداً از ماین های زمینی استفاده نخواهد کرد. ۳. امارت اسلامی افغانستان از همه گروه های مخالف نیز می خواهد تا از بکارگیری، تجارت، و ذخیره سازی ماین های زمینی خود داری نمایند و از این بیشتر به مردم رنجدیده افغانستان آسیب وارد ننمایند. ۴. آنهایکه ماین های زمینی را در افغانستان به خاطر اختلافات شخصی، سیاسی و یا هر دلیل دیگر مورد استفاده قرار می دهند، طبق قانون اسلامی مجازات خواهد گردید. ۵. امارت اسلامی افغانستان از همه کشور هاییکه که پیمان اوتاوا را امضاء نموده اند سپاسگزاری می کند و همه کشورهایی را که تا هنوز این پیمان را امضاء نموده اند فرا می خواند تا فوراً از تولید، تجارت و ذخیره نمودن و استفاده ماین های زمینی دست برداشته و پیمان بین المللی اوتاوا را احترام نمایند. امضاء و مهر: خادم اسلام امیر المومنین (مجاهد) ملا محمد عمر آخوند. معلومات بیشتر در این آدرس قابل دسترسی است: وب سایت نظارت از ماین های زمینی و سلاح خوشه ای:

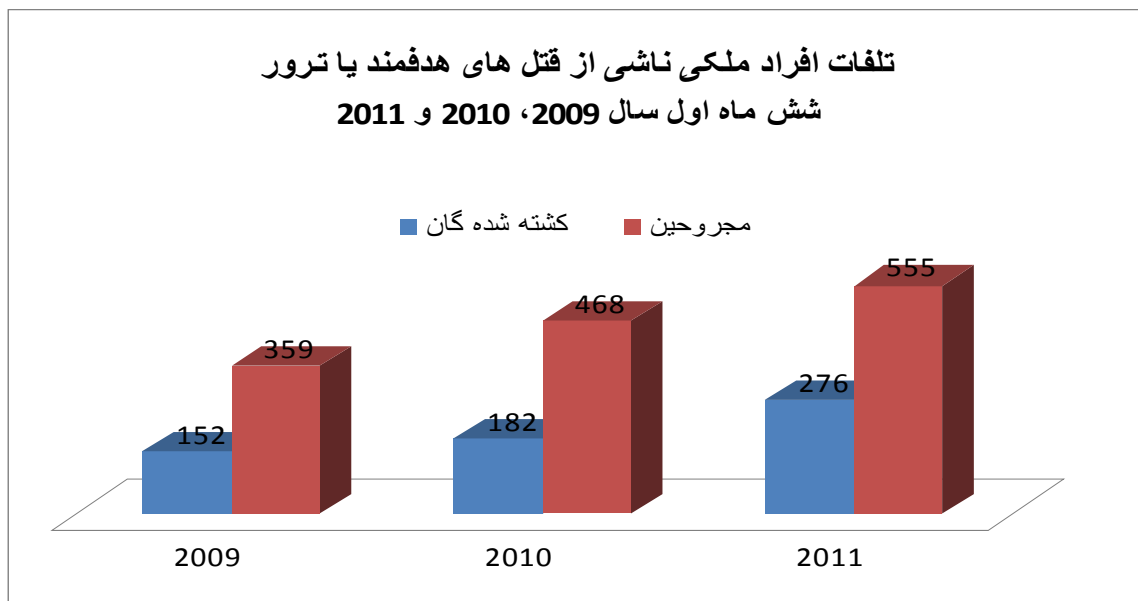
<http://www.the-monitor.org/index.php/publications/display?url=lm/1999/afghanistan>

و نیز تجارت، اموال و ملکیت مردم را تخریب نموده است. استفاده وسیع از این مواد منفجره تعبیه شده ای که توانای تشخیص و تفکیک را ندارد توسط مخالفین مسلح دولت در ساحات واضحاً ملکی در واقع بی میلی طالبان را در ارتباط به ایجاد تمیز بین ملکیان و اهداف نظامی نشان میدهد.

- بتاريخ ۱۶ جنوری در ولسوالی پلخمری ولایت بغلان ۱۲ فرد ملکی بشمول ۵ طفل و ۶ زن زمانی کشته شدند که موتر حامل شان با مواد منفجره تعبیه شده ای بشقاب مانند، برخورد نمود.
- بتاريخ ۱۷ اپریل در شهر جلال آباد مرکز ولایت ننگرهار ۱۱ فرد ملکی توسط مواد منفجره تعبیه شده زخمی گردیدند که هدف از این انفجار یک دوکان کسیت فروشی بود. در طول سال ۲۰۱۱ فروشگاههای کسیت بطور مستمر در شهر جلال آباد مورد هدف قرار گرفته اند.
- بتاريخ ۱۱ جون در مرکز ولایت غزنی از اثر انفجار مواد منفجره کارگذاری شده در یک کراچی که شیر یخ می فروخت دو فرد ملکی کشته شدند که یکتن آن طفل بوده و ۷ تن دیگر بشمول ۴ طفل زخمی گردیدند.

حملات مرکب و انتحاری

شورشیان به حملات انتحاری شان در ساحات مزدحم ادامه داده اند. حملات انتحاری با درصد خیلی بالا باعث افزایش تلفات غیر نظامیان در مقایسه به عین زمان در سال گذشته گردیده است که در مقایسه با سال ۲۰۱۰، ۵۲ درصد افزایش را در کشتار غیر نظامیان نشان می دهد. حملات انتحاری ۱۹ درصد کشته شدگان و ۲۶ درصد زخمیان غیر نظامیان را تشکیل می دهد. در مجموع حملات انتحاری باعث تلفات ۸۳۱ تن گردیده که از آنجمله ۲۷۶ تن کشته و ۵۵۵ تن زخمی گردیده است. این رقم در مقایسه به عین زمان در سال ۲۰۱۰، ۲۸ درصد افزایش را در مجموع کشته ها و زخمی ها نشان می دهد.



شدت عملیات های انتحاری افزایش یافته ولی تعداد این حملات ثابت باقی مانده است که از اثر شدت آن، شمار تلفات در حملات انتحاری زیاد گردیده است. این حملات اکثراً دارای ماهیت مختص به خود بوده، که در آن از حمله کنندگان متعدد استفاده به عمل می آید. حملات انتحاری عمدتاً بیشتر در محلاتی راه اندازی می گردد که تجمع غیر نظامیان در آن بیشتر بوده است. بگونه مثال سوپر مارکت ها، پروژه های ساختمانی، تعمیرات دولتی و شفاخانه که هیچگونه هدف نظامی خاصی در آن نهفته نیست، بیشتر مورد این چنین حملات قرار گرفته اند.

- بتاريخ ۲۸ جون در نتیجه یک حمله مرکب یا مختلط بالای هوتل انترکاننتنل در شهر کابل، که حد اقل ۹ حمله کننده انتحاری را شامل می شد، ۹ فرد ملکی کشته و ۱۷ تن دیگر زخمی شدند. طالبان مسؤلیت این حمله را به عهده گرفت.

- بتاريخ ۲۱ ماه می، حمله انتحاری در یک شفاخانه شهر کابل جان ۶ تن از محصلین فاکولته طب را گرفت و ۲۳ تن دیگر را زخمی نمود. طالبان مسؤلیت این حمله را پذیرفته و این اولین قضیه ای هستند که طالبان شفاخانه را مورد حمله قرار دادند.

- بتاريخ ۲۱ ماه فیبروری در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز حمله کننده انتحاری واسکت مملو از مواد منفجره اش را در دفتر ثبت احوال نفوس انفجار داد که منجر به کشته شدن ۳۳ و زخمی شدن ۴۱ فرد ملکی گردید.

- بتاريخ ۲۸ جنوری یک حمله کننده انتحاری در داخل سوپر مارکت فاینیست در شهر کابل ۸ فرد ملکی بشمول اطفال و زنان را کشت و ۱۵ تن دیگر را زخمی نمود. در بین کشته شده گان یک کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همراه با فامیل اش نیز شامل بود. هر دو گروه، طالبان و حزب اسلامی گلبدین مسؤلیت این حمله را پذیرفتند و گفتند که هدف آنان رئیس یک شرکت خصوصی امنیتی بین المللی بوده است.

- بتاريخ ۷ جنوری در ولسوالی سپین بولدک ولایت کندهار یک حمله کننده انتحاری حمام عامه را مورد هدف قرار داد که در نتیجه آن ۱۵ فرد ملکی کشته و ۲۰ تن دیگر زخمی شدند. طالبان مسؤلیت حمله را بدوش گرفته و اظهار نمودند که آنان در این حمله معاون قومندان پولیس سرحدی را کشته اند، در حالیکه معاون قومندان پولیس سرحدی در داخل حمام نبود ولی یک افسر پولیس سرحدی جانش را از دست داد.

کشتار های هدفمند یا ترور

سطح تعداد کشتار های هدفمند (یا ترورها) و تلاش جهت ترور افراد در نتیجه این نوع حملات در جریان شش ماه اول سال ۲۰۱۱ ثابت یعنی مشابه با عین مدت سال گذشته باقی مانده است. این حملات باعث تلف شدن ۲۳۳ تن از جمله ۱۹۰ کشته و ۴۳ تن زخمی گردیده است. این رقم در تناسب به عین زمان در سال ۲۰۱۰، ۵ درصد افزایش را در شمار کشته شده گان که ترور گردیده نشان می دهد که در آن زمان مخالفین مسلح دولت ۱۸۱ فرد ملکی را کشته بودند.

مخالفین مسلح دولت از طریق هدف گیری و کشتن غیر نظامیان که به گمان آنان از حکومت افغانستان و یا نیرو های نظامی بین المللی حمایت می کردند یک کمپاین وسیع و سیستماتیک تهدید را نیز براه انداختند. افسران پولیس که بالای وظیفه نبوده اند، اعضای شورای صلح، سران اقوام و جنگجویانی که می خواستند دوباره به جامعه مدغم شوند از جمله گروه ها و افرادی بوده اند

که در اینگونه کشتارها مورد هدف قرار گرفته اند. همین گونه مخالفین مسلح دولت اشخاص بلند رتبه سیاسی و افسران ارشد پولیس بشمول اعضای شوراهای ولایتی، قومندانان امنیه، والیان و سایر شخصیت های برجسته سیاسی را مورد هدف قرار داده اند. یوناما آسیب پذیری جنگجویان مسلح را که به برنامه صلح و ادغام مجدد پیوسته اند، برجسته می سازد. بگونه مثال مخالفین مسلح دولت در ماه می در دو قضیه جداگانه ۸ تن از این افراد را که در این اواخر مجدداً ادغام گردیده بودند، در حوزه شمال شرق کشتند. کشتارهای هدفمند، جامعه افغانی را متأثر ساخته و تخطی های حقوق بشری ناشی از این کشتارها به نحو است که تأثیرات اجتماعی شان فراتر از کشته شدن این افراد می باشد. این کشتارها حق حیات را نقض نموده و غیر نظامیان را از مشق و تمرین حقوق اولیه شان مانند حق امنیت، آزادی بیان، حق مشارکت سیاسی، حق کار و تعلیم و تربیه باز داشته است. این محرومیت از حقوق نتایج جدی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را همراه داشته زیرا مانع حکومتداری و توسعه گردیده و پروسه انتقال را به عقب می اندازد.

- بتاريخ ۸ جون، در قریه گرم آب ولسوالی ترینکوت ولایت ارزگان دو فرد ملکی توسط مخالفین مسلح دولت ذریعه فیر مرمی کشته شدند. این قربانیان خویشاوندان یک عضو شورای ولایتی بودند.
- بتاريخ ۳ جون، رئیس شورای ولایتی ولایت بامیان زمانیکه از کابل بطرف بامیان روان بود اختطاف گردیده و بتاريخ ۷ جون جسد وی بعد از کشته شدن دریافت گردید. طالبان مسولیت قتل وی را بعهده گرفتند.
- بتاريخ ۲۲ می، سرمعلم لیسه نسوان پورک در نزدیکی منزلش در قریه پورک ولسوالی پل علم ولایت لوگر کشته شد. طالبان از دخیل بودن در قتل او انکار کردند.
- بتاريخ ۸ ماه می، ۵ عضو یک گروه که به پروسه صلح پیوسته بودند، بشمول قومندان گروه، در ولایت کندز توسط محافظ این گروه بقتل رسیدند که گفته می شود این محافظ بعداً به شورشیان پیوسته است. این افراد آماده بودند تا به صفوف پولیس محلی افغان بپیوندند.
- بتاريخ ۲۳ اپریل یک تن از سران قوم علیزی از ولسوالی موسی قلعه زمانی کشته شد که مصروف دیدن از شهر لشکرگاه بود. گزارش ها حاکی از آن است که قربانی می خواست در پروسه صلح ولسوالی اش میانجیگری نماید.
- بتاريخ ۱۶ اپریل قومندان امنیه ولایت قندهار توسط یک انتحار کننده که داخل قومندانی امنیه گردیده بود، کشته شد.
- بتاريخ ۱۱ اپریل، حاجی غلام دستگیر یکتن از سران قوم بارکزی و عضو شورای ولسوالی در قریه ناوه ای بارکزی ولایت هلمند زمانی کشته شد که در مسجد خسرو آباد مصروف ادای نماز بود.

پروسه انتقال امنیت در ساحات جنگی

پروسه رسمی انتقال مسولیت های امنیتی از قوای نظامی بین المللی به نیرو های مسلح افغانستان در ماه جولای سال ۲۰۱۱ در سه ولایت بامیان، پنجشیر و کابل (به استثنای ولسوالی سروبی) و در چهار مرکز ولایات مزار شریف، هرات، مهنترلام و لشکرگاه آغاز می گردد. در سایر نقاط کشور نیرو های نظامی بین المللی انتقال شان را از مراکز شان و پوسته های دور در سال ۲۰۱۰ آغاز کرده بودند. یوناما ثبت نموده است که در نیمه اول سال ۲۰۱۱ در ولسوالی های دره پیچ ولایت کنر، از محلاتی که نیرو های بین المللی

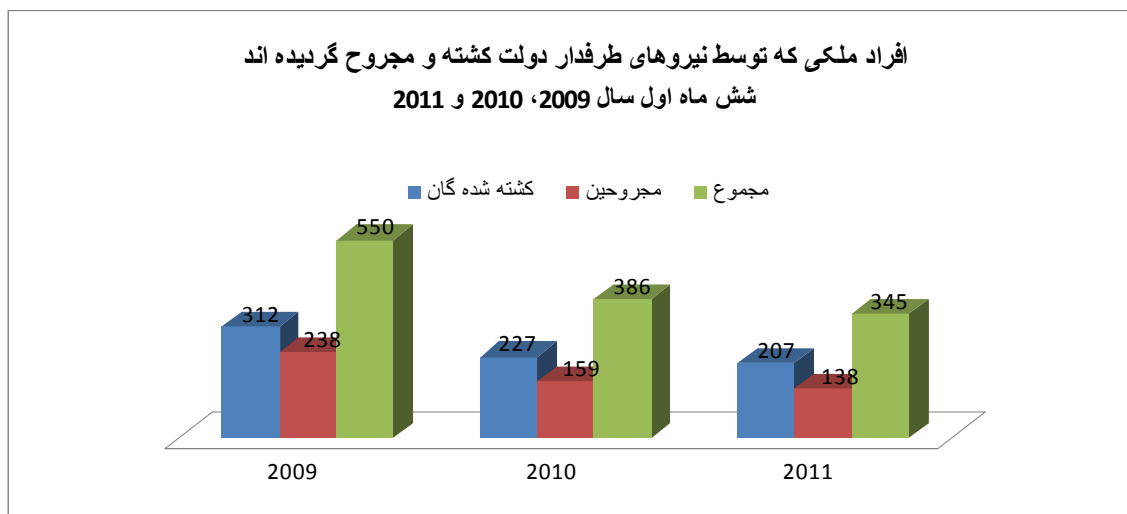
در سال ۲۰۱۰ بیرون شده بودند، نیروهای مخالف دولت به پیمانہ زیادی از طریق تهدید و خشونت بالای مردم فشار وارد کرده بودند تا از شورش حمایت نمایند و در مقابل دولت افغانستان بی اعتنا بوده و دست به مقاومت بزنند.

مردم محلی به یوناما گزارش دادند که طالبان در دره پیچ، حکومت موازی را ایجاد کردند بدین معنی که حکومت دیگر در ساحه کنترل ندارد. مقامات ولسوالی دیگر قادر نبودند تا به وظایف شان به علت تهدیدات و حملات مخالفین مسلح دولت ادامه بدهند و تمام ادارات حاکمیت قانون دیگر از فعالیت باز ماندند. سران شوراها به یوناما گفتند که نیروهای پولیس و اردوی افغان تا حدی زیادی در مراکز ولسوالیها محصور شده اند.

در ماه های می و جون سال ۲۰۱۱ راپورهای به یوناما مواصلت نموده است که طالبان به طور آزادانه پوسته های تلاشی را ایجاد نموده اند تا غیر نظامیان را برای شکنجه، اختطاف و یا آنان را از حمایت حکومت منع و دلسرد کنند، بر علاوه گزارشات زیادی در مورد دزدی و آزار و اذیت نیز رسیده است. محکمه ولسوالی برای ماه ها نتوانست که دوسیه ها را به محکمه مرافعه در مرکز اسد آباد محول نماید.

نیرو های طرفدار دولت و محافظت از غیر نظامیان

در فاصله زمانی بین ۱ جنوری تا ۳۰ جون سال ۲۰۱۱ مجموع تلفات غیر نظامیان که به نیرو های طرفدار دولت نسبت داده شده است به تعداد ۳۴۵ فرد ملکی بوده که از این جمله ۲۰۷ تن کشته و ۱۳۸ تن زخمی شده اند.^{۵۰} این رقم در مقایسه به عین مدت در سال ۲۰۱۰، ۱۱ درصد کاهش را در مجموع ارقام کشته شدگان و زخمیان غیر نظامیان که توسط نیرو های طرفدار دولت رخ داده است، نشان می دهد. در مقایسه با نیمه اول سال ۲۰۱۰ درصدی کاهش در شمار کشته شدگان ۹ درصد در حالیکه کاهش درصدی زخمیان ۱۳ درصد می باشد.



اعلامیه های آیساف

در طول ۶ ماه اول سال ۲۰۱۱ قوماندانی آیساف دو اعلامیه رسمی را در مورد تلفات غیر نظامیان پخش نموده است. بتاريخ ۱۲ ماه می، جنرال دیوید پیتریوس نامه ای را به نمایندگان تمام کشور هایکه به افغانستان عساکر فرستاده اند، ارسال نموده تا پیشنهادات را در مورد برنامه های آموزشی قبل از اعزام عساکر جهت کاهش تلفات غیر نظامیان، ارایه نمایند. بتاريخ ۱۵ ماه می، وی به تمام اعضای آیساف در افغانستان نامه فرستاد و در ارتباط به تلفات غیر نظامیان رهنمود های خاصی را ارایه نمودند. این رهنمود بنام رهنمود قومندان آیساف در مورد تلفات افراد ملکی یاد می شد که جنرال پیتریوس بر ضرورت جدی کاهش تلفات غیر نظامیان در افغانستان تأکید نموده بود. این نامه به اعضای آیساف خاطر نشان می سازد تا دستور العمل تاکتیکی و سایر اسناد مربوط به تلفات غیر نظامیان را تعقیب و عملی نمایند.

قومندان آیساف پیشنهادات ذیل را برای کشور های اعزام کننده نیرو به افغانستان فرستاده است:

- درک و آگاهی از وضعیت تا عساکر را کمک نماید که بدانند قصد خصمانه در چه موقع وجود می داشته باشد.

^{۵۰} در این ارقام، شماری قابل ملاحظه کشته شدگان و زخمی شدگان ملکی که در جریان کنترل ازدحام توسط نیروهای پولیس ملی رخ داده است، شامل نمی باشد. به بخش عملیات های شبانه مراجعه گردد.

- آموزش در رابطه به بردباری تاکتیکی بر اساس یک مدیریت با دسپلین در عدم موجودیت تهدید آنی به نیروهای دوست. در چنین شرایطی عساکر باید زمانی بیشتری را صرف کنند تا قبل از هر گونه اقدام وضعیت را بهتر درک نمایند.
- در استفاده از قطع جنگ و طرز العمل های اعلام خطر، راه های جستجو گردد که در صورت امکان، گرفتار نمودن نسبت به کشتن قابل ترجیح باشد.
- آموزش در مورد دقت ظرفیت های استفاده از سلاح ها و فاصله های را که ویژه گی های سلاح ایجاب می کند قبل از کار گرفتن آن سلاح ها.
- هدایت برای کنترل کننده گان تخنیکي حملات هوایی و قومندان مسؤل در ساحه جنگ به شکل مشترک در مورد ظرفیت های هواپیما و ضرورت ها جهت ایجاد و ابقای هویت مثبت برای تمام حمایت های هوایی نزدیک در ساحه جنگ، حملات جنگی نزدیک و استخبارات نظامی، بررسی و شناسایی هوایی.
- آموزش ها مبنی بر تعقیب هدف بصورت جمعی و تصدیق برای حمایت هوایی و حملات رزمی نزدیک، و استخبارات نظامی، بررسی و شناسایی هوایی با استفاده از وسایل هوایی متعدد، به منظور شامل ساختن بمب افکن ها در عملیات. جنرال پیتریوس نیاز به آموزش های قبل از اعزام نیروها را مهم تلقی می نمود زیرا این آموزش ها آیساف را در ارزیابی تخریبات جنگی و شمار تلفات ملکی کمک می کند و ذریعه آن آیساف می تواند ادعا های تلفات ملکی را تأیید و یا رد کند و گزارشات رسانه ای را بهبود بخشد. یوناما از تقویت ضرورت های آیساف که هدف آن اتخاذ تدابیر حفاظتی برای حفاظت از غیر نظامیان می باشد، استقبال می کند. با وجود آن نباید به تخریبات جنگی تنها منحصبت معلومات عملیاتی دیده شود، بلکه لازم است تا گزارشات دقیق و بموقع از تلفات غیر نظامیان تهیه و از آن آموخته شده و در نحوه انجام عملیات ها تغییراتی نیز رونما گردد تا از غیر نظامیان حفاظت بیشتر به عمل آید.
- زمانیکه در مورد وضعیت موجود بازنگری دایرکتیف های تاکتیکی پرسیده شد، آیساف نکات ذیل را برای یوناما ارایه نمود: "آیساف تمامی پالیسی های (دایرکتیف های تاکتیکی) خود را بازنگری می کند (که شامل طرز العمل های معیاری نیز می گردد)، تا از متداول بودن و قابل قبول بودن آن اطمینان حاصل گردد. که در این مورد کار ادامه داشته و در صورت نیاز دایرکتیف های ضروری ممکن جدیداً صادر گردند^{۵۱}. آیساف گزارش داده که بتاريخ ۷ جولای دایرکتیف تاکتیکی بازنگری شده را صادر نموده اند، که تا هنوز با یوناما شریک ساخته نشده است.
- یوناما بازنگری جاری دایرکتیف های تاکتیکی را خیر مقدم گفته و به آیساف توصیه می نماید تا به سرعت، تمام دایرکتیف ها را به روز نموده و به شکل درست آن تطبیق نماید تا محافظت از غیر نظامیان بهبود یافته و کار شفافیت و حسابدهی تلفات ملکی که توسط نیروهای آیساف بوقوع پیوسته است بیشتر از پیش بهبود یابد.

^{۵۱}. ذریعه ارتباط ایمیل از آیساف به یوناما، تاریخ ۱۲ جون سال ۲۰۱۱.

تحقیقات در مورد تلفات افراد ملکی

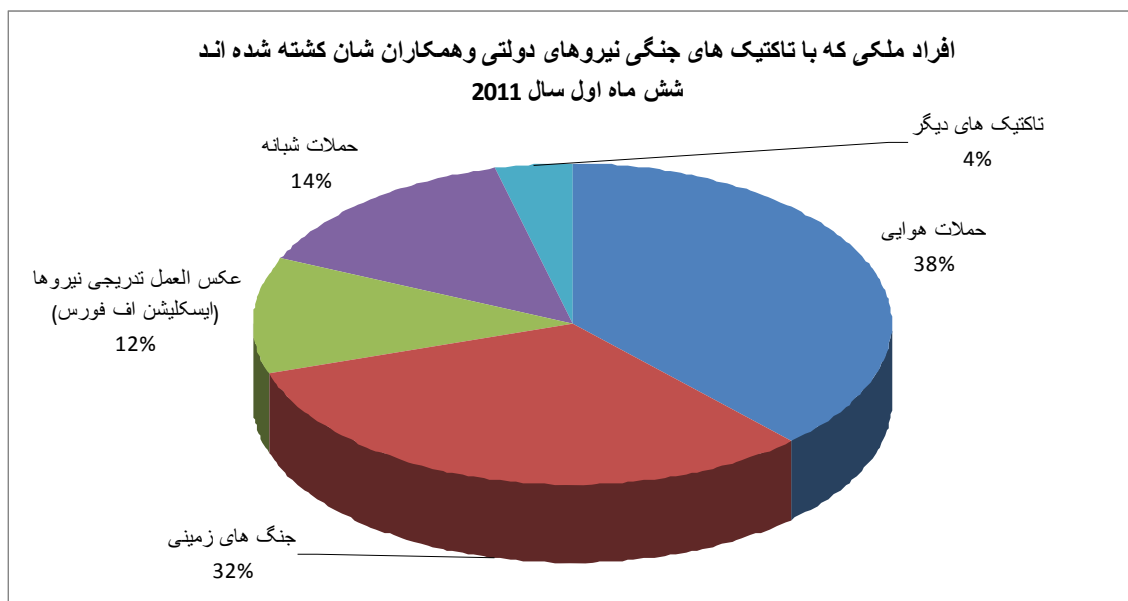
در سال ۲۰۰۹ آیساف یک نهاد تحقیقاتی را ایجاد نمود که بنام تیم مشترک تحلیل حادثه یاد می گردد و در صورت ادعا واقعات تلفات ملکی این تیم در همان ساحه موظف می گردد. این تیم گروه مشترکی از افراد آیساف و نیرو های امنیتی افغان است که قابلیت عکس العمل سریع را دارا می باشد. در تیم نیرو های امنیتی افغان پرسونل هر دو وزارت یعنی امور داخله و وزارت امور دفاع شامل می باشد. با وجود آنکه این تشکیل قوی در راستای تحقیقات بهتر برای واقعات تلفات غیر نظامیان می باشد ولی این گروه موقتی بوده و اعضای آن از وظایف اصلی خویش برای تحقیق واقعات تلفات ملکی فرا خوانده و توظیف می شوند. یوناما به آیساف و نیرو های امنیتی افغان توصیه مینماید تا یک تیم دایمی و مسلکی را تشکیل دهند تا بطور دایمی واقعات تلفات غیر نظامیان را تحقیق کنند.

آیساف همچنان در سال ۲۰۰۷ نهاد کوچکی ردیابی تلفات ملکی را ایجاد نموده بود تا تمام واقعات ادعا شده تلفات ملکی توسط آیساف را ردیابی کند. این نهاد، ۲۴ ساعت در روز، ۷ روز در هفته فعال بوده و واقعات دیتابیس را که به همکاری تیم مشترک حادثه ثبت گردیده است، تحقیق و ردیابی می کند و دروس آموخته شده را به سلسله مراتب فرماندهی آیساف ارائه می کند، که در نتیجه: روزانه در مورد واقعات تلفات ملکی به جنرال پیتربوس معلومات کوتاه ارائه می گردد.

یوناما شاهد است که دریافت های تیم مشترک تحلیل حادثه و همچنان نتایج تحقیقات تیم آیساف در مورد تلفات غیر نظامیان در دسترس عامه قرار نگرفته و به نشر نمی رسد. نشر سریع و بموقع نتایج تحقیقات منجر به شفافیت و حسابدهی و همچنان منجر به ارتباط بهتر با افغان ها و مردم که از حادثه متأثر شده، می گردد.

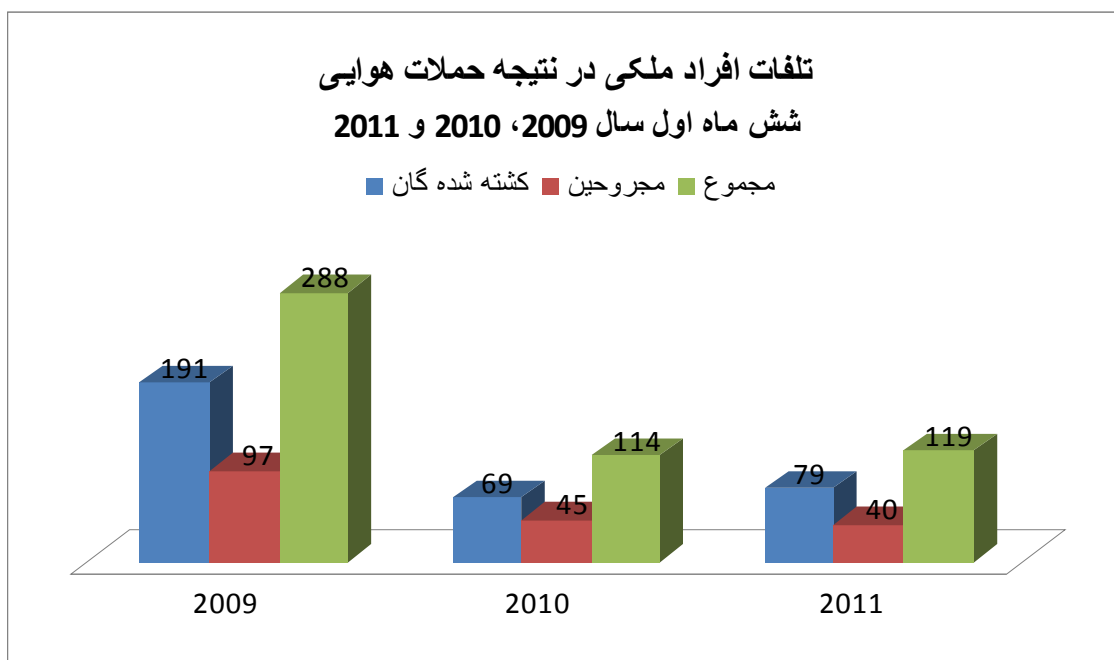
تاکتیک های استفاده شده توسط نیرو های طرفدار دولت

در مقایسه به سال ۲۰۱۰ حملات هوایی منجر به تلفات بیشتر در صفوف غیر نظامیان گردیده است که عکس جریان نزولی سال گذشته را نشان می دهد. و نیز بر اثر حملات زمینی بشمول برخورد های مسلحانه کشتار مردم ملکی ادامه یافته است. عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون در ساحات جنوبی کشور توسط قوای آیساف و در سایر نقاط کشور توسط پولیس ملی افغانستان بطور مستمر وجود دارد. تلفات غیر نظامیان ناشی از حملات شبانه کم بوده است با وجود آنکه این حملات منجر به تظاهرات خونینی گردیده که بیشتر از پیش مردم ملکی ضرر دیده اند و مردم افغانستان مدام ازین تاکتیک متنفر بوده اند.



حملات هوایی

در ۶ ماه اول سال ۲۰۱۱ کشتار غیر نظامیان در نتیجه حملات هوایی ۱۴ درصد افزایش یافته که باعث گردیده تا کشته شده گان غیر نظامیان را که توسط نیرو های طرفدار دولت صورت گرفته است به ۳۸ درصد برساند و بحیث عامل اساسی افزایش تلفات غیر نظامیان توسط نیرو های طرفدار دولت تلقی می گردد که ۵ درصد از مجموع غیر نظامیان کشته شده ناشی از حملات هوایی بوده است. با آنکه تلفات غیر نظامیان از اثر حملات هوایی در سال ۲۰۱۰ در مقایسه با سال ۲۰۰۹ میلادی بطور قابل ملاحظه کاهش یافته بود ولی در حال حاضر تعداد این تلفات در حال رشد بوده است. حملات هوایی در مقایسه به سال ۲۰۱۰ که ۶۹ فرد ملکی را کشت و ۴۹ تن را زخمی نمود، در سال جاری باعث تلفات ۱۱۹ تن گردیده که ۷۹ تن را کشته و ۴۰ فرد ملکی را زخمی نموده است.



در افغانستان از دو گونه عملیات هوایی استفاده صورت می گیرد: حمایت هوایی نزدیک به قوای زمینی و حمله رزمی نزدیک به ساحه جنگ.^{۵۲} تلفات غیر نظامیان از اثر حمایت هوایی نزدیک به قوای زمینی، طیارات با بال های ثابت، در سه سال اخیر کاهش یافته است ولی شمار حملات طیاره های که از نیروهای زمینی حمایت نزدیک دارد افزایش یافته است. در ۶ ماه اول سال ۲۰۱۱ آیساف ۲۱۷۰ بمب را توسط طیاره های که قوای زمینی را حمایت نزدیک می کند رها نموده است که در مقایسه با ۶ ماه اول سال ۲۰۱۰ که این شماره به ۱۴۴۰ می رسید، ۵۱ درصد افزایش را نشان می دهد.^{۵۳} در طول ۶ ماه اول سال ۲۰۱۱ هواپیما های با بال های ثابت آیساف، در جریان حملات حمایت هوایی نزدیک از قوای زمینی ۳۵ فرد ملکی را کشته و ۲۰ فرد دیگر را زخمی نموده است. با وجود آنکه نحوه انجام حملات حمایت هوایی نزدیک از قوای زمینی بهتر شده است، ولی با آنهم اشتباهات مدام سبب از بین رفتن حیات مردم افغانستان گردیده است.

^{۵۲}. یوناما تعریف اصطلاحات حملات حمایت هوایی نزدیک و حملات رزمی نزدیک را چنان استفاده میکنند که توسط نهاد رد یابی تلفات ملکی آیساف تهیه گردیده است که اولی بمعنی مأموریت با طیارات با بال ثابت و دومی مأموریت با طیارات با بال چرخشی میباشد.

^{۵۳}. بخش امور عمومی مرکزی نیرو های هوایی ایالات متحده امریکا، اخبار نشر شده، قومندان بخش هوای نیروهای مختلط ۲۰۰۸-۲۰۱۱ احصایه قوت هوایی، ۴ جولای ۲۰۱۱.

- بتاريخ ۲۸ ماه می در یک حمله هوایی در هلمند که توسط (ای وی ۸ بی حاریر) انجام شده است ۱۲ فرد ملکی بشمول ۶ طفل را کشته و ۸ تن دیگر را زخمی نموده است.

- بتاريخ ۱۷ اپریل طیاره بی ۱ چهار طفل را کشته و ۲ طفل و یک جوان ۱۹ ساله را زمانی زخمی نمود که مخالفین مسلح دولت را هدف قرار می داد. گزارش های رسیده نشان می دهد که ۲ تن از مخالفین مسلح دولت نیز کشته شده است.

- بتاريخ ۱۸ جنوری یک بمب افکن ایف ۱۶ در پاسخ به تقاضای قوای درگیر در جنگ، انداخت نمود که ۶ فرد ملکی را کشته و ۱ تن را زخمی نموده است. ۳ تن از این کشته شده گان اطفال بودند.

تلفات غیر نظامیان از اثر حملات هوایی که در آن از حملات رزمی نزدیک با طیاره های با بال چرخشی یعنی هلیکوپتر استفاده می شود در سه سال اخیر افزایش یافته است. هلیکوپترهای آپاچی مسؤل بخش عمده ای تلفات غیر نظامیان می باشد. در تمام سال ۲۰۰۹، ۲۵ فرد ملکی از اثر حملات هلیکوپتر های آیساف جان های شان را از دست دادند (که ۷ درصد مجموع کشته شده گان ملکی ناشی از حملات هوایی را شامل می شد). در جریان سال ۲۰۱۰، ۵۶ فرد ملکی از اثر حملات هلیکوپتر های آیساف کشته شدند (۳۳ درصد از مجموع کشته شده گان ملکی ناشی از حملات هوایی).^{۵۴} حد اقل ۴۴ فرد ملکی در ۵ ماه اول سال ۲۰۱۱ توسط هلیکوپتر های آیساف کشته شدند و ۲۰ تن دیگر زخم برداشتند. (۵۶ درصد از مجموع کشته شده گان ملکی ناشی از حملات هوایی) حد اقل ۱۱ تن از این کشته شده گان اطفال بوده اند که در مزارع کار می کردند. آیساف باید اقدامات عاجلی را روی دست گیرد تا تلفات غیر نظامیان ناشی از حملات رزمی هوایی را کاهش دهد زیرا این موضوع از سه سال گذشته بطور دوامدار جریان داشته و آیساف می توانست آنرا تشخیص داده و تصحیح نماید.

- بتاريخ ۱۴ ماه مارچ در ولسوالی چوکی ولایت کنر یک هلیکوپتر آپاچی یک موشک و گلوله های را بسمت دو طفل فیر نمود که هر دوی آنان کشته شدند. این اطفال مزرعه شان را آبیاری می کردند که آپاچی اشتباہ فکر کرد که آنان مواد منفجره را جاسازی می کنند.

- بتاريخ ۱ ماه مارچ در ولسوالی مانوگی ولایت کنر، طیاره آپاچی مخالفین مسلح دولت را هدف قرار داده و از اثر این حمله ۹ طفل کشته و یک تن زخمی شد. این اطفال مصروف جمع آوری چوب سوخت بودند که کشته شدند.

- بتاريخ ۶ فبروری در ولسوالی مارجه ولایت هلمند یک طفل و یک مرد زمانی کشته شدند که یک طیاره آپاچی یک راکت را بالای منزل شان فیر نمود.

⁵⁴ ارتباط ایمیل میان اداره ردیابی تلفات غیر نظامیان آیساف و بخش حقوق بشر یوناما بتاريخ ۹ ماه جولای سال ۲۰۱۱. بر اساس معلومات آیساف در سال ۲۰۰۹، ۲۵ تن از غیر نظامیان و در سال ۲۰۱۰، ۵۶ فرد ملکی و در نیمه اول سال ۲۰۱۱، ۱۴ فرد ملکی از اثر حملات هلیکوپتر های آیساف کشته شده اند. یوناما ملاحظه نمود که در میان ارقام یوناما و ارقام ارایه شده توسط آیساف تفاوت وجود دارد و این تفاوت ناشی از تعریف متفاوت است زیرا یوناما در بعضی از واقعات تلفات ملکی را مستند ساخته بود ولی بر اساس در یافته های تیم مشترک تحلیل حادثه، در حادثه متذکره افراد ملکی تلف نشده بود. یوناما در سال ۲۰۰۹ ۲۰۰۹ تعداد ۳۵۹ و در سال ۲۰۱۰ بتعداد ۱۷۱ نفر را مستند ساخته است که از اثر حملات هوایی جان های شان را از دست داده بودند.

یوناما خاطر نشان می سازد که این کاملاً روشن نیست که آیا افزایش تلفات غیر نظامیان از اثر هلیکوپتر ها به علت افزایش حملات هوایی توسط هلیکوپتر می باشد و یا این که مشکلاتی ناشی از تاکتیکها، تکنیکها و طرز العملها سبب افزایش در تلفات ملکی گردیده است. آیساف شمار حملات هوایی توسط هلیکوپتر ها را به نشر نمی رساند و بر خلاف آن حملات حمایت هوایی طیارات با بال های ثابت را در دسترس مردم عامه قرار می دهند. این هم ممکن است که افزایش تلفات ملکی ناشی از افزایش حملات هلیکوپتر ها باشد در حالیکه مأموریت های حملات هوایی با طیارات با بال ثابت در مقایسه با عین زمان سال ۲۰۱۰، ۵۱ در صد بیشتر بوده و نیز تلفات ملکی از اثر این طیارات کاهش یافته است. بناً انداختن بمب های بیشتر به معنی تلفات بیشتر غیر نظامیان نمی باشد. حملات توسط هلیکوپتر ها منطقاً باید باعث کاهش در تلفات غیر نظامیان گردد زیرا نتایج حملات آنها به نسبت داشتن سلاح های کوچکتر در مقابله با طیارات با بال های ثابت کمتر می باشد. همچنان هلیکوپتر ها در مقایسه با تیاره های با بال های ثابت دارای توانایی بیشتری پرواز و تمرکز بالای هدف می باشند که آن را در تشخیص هدف کمک می نمایند.

مزید بر این، در بعضی واقعات یوناما ثبت نموده که با حمله هلیکوپترها تدابیر احتیاطی بکلی وجود نداشته است که منجر به تلفات غیر نظامیان شده است. در یک حادثه یک فروند هلیکوپتر آپاچی در ولسوالی چوکی دو طفل را کشت. این اطفال از طرف شب مزرعه شان را آبیاری می نمودند، در افغانستان آب دادن مزارع از طرف شب معمول می باشد زیرا در روز های گرم افغانستان آب مزارع تبخیر شده و زود خشک می گردد. سرنشینان آپاچی به این تصور گردیدند که این اطفال مواد منفجره را جاسازی می کنند. تدابیر احتیاطی مؤثر که شامل درک بهتر از محیط و وضع عملیاتی است باید مد نظر گرفته شود. درک بهتری از وضعیت فرهنگی، می توانست از کشته شدن این اطفال جلوگیری کند.

یوناما به آیساف پیشنهاد می نماید تا به شکل فوری تحقیق نماید که به کدام دلیل تلفات غیر نظامیان توسط هلیکوپتر های آپاچی در یک سطح بالا قرار دارد. لازم است تا به سرنشینان این هلیکوپتر ها در رابطه به رهنمود تکتیکی و اینکه این پیلوت ها آنرا تطبیق نمایند آموزش داده شود. اگر دلایل مشخصی در مورد ماهیت عملیاتی هلیکوپتر های آپاچی وجود داشته باشد که منجر به کشته شدن غیر نظامیان با میزان بالا می گردد، این بسیار مهم است تا آن مشکل توسط آیساف مرفوع گردد.

حملات شبانه

با وجود اینکه شمار حملات شبانه ازدیاد یافته است، تلفات ملکی از اثر حملات شبانه در ظرف شش ماه اول سال ۲۰۱۱، ۱۵ درصد تقلیل یافته است.^{۵۵}

با آنکه تلفات ملکی از اثر حملات شبانه تقلیل یافته، لیکن چنین حملات را افغانها من حیث یکی از منفور ترین تکتیک ها می نگرند. یوناما ۳۰ تن از غیر نظامیان کشته شده و ۱۴ تن افراد ملکی مجروح را که از اثر عملیات تلاشی شبانه / تلاشی تعمیرات بوقوع رسیده را در نیمه اول سال ۲۰۱۱ به ثبت رسانیده است. نگرانی های در مورد تطبیق کامل و مداوم رهنمود تکتیکی حملات شبانه، طرز العمل های عملی و فقدان شفافیت در تحقیقات، هنوز هم باقی مانده است.

در آن بخش از "رهنمود تکتیکی حملات شبانه که در ۲۳ جنوری ۲۰۱۰ به شکل همگانی منتشر گردید" به وضاحت خاطر نشان گردیده که "تا جایکه ممکن است افغان ها باید در رهبری عملیات های شبانه قرار داشته باشند" نیرو های امنیتی ملی افغان باید اولین نیروی باشند که دیده شوند و اولین صدای که توسط باشنده هر مسکونه ای شنیده شود" و تمام تلاشی ها توسط نیرو های

⁵⁵ رقم دقیق تلاشی حملات شبانه مشکل است بدلیل کثرت و وسعت دامنه عملیات که توسط آیساف، اردوی ملی، نیروهای ویژه ملی و بین المللی و پولیس ملی سرحدی که مستقل و مشترک راه اندازی گردیده است. به پاورقی ۲۵ جهت معلومات بیشتر مراجعه نمایید.

افغان رهبری و انجام گردند^{۵۶} یوناما نگران است که آیساف بصورت مکمل رهنمود تکتیکی حملات شبانه را در همه اوقات تطبیق نمی کند. مدیریت پس از حادثه (ارتباط با مردم محل که از اثر حادثه متأثر گردیده) بهبود یابد و یوناما به عناصر افغان و آیساف سفارش می کند که بعد از هر حمله شبانه به شمول افشاء سازی مدارک دریافت شده از محل حادثه، فوراً و بصورت کامل در مورد حمله واقع شده برای مردم محل گزارش ارائه نماید.

- بتاريخ ۱۸-۱۹ فبروری، پسر بچه ۹ ساله کشته شد و دوخواهرش (۱۲ و ۱۸) ساله از اثر حمله شبانه مشترک نیرو های بین المللی و نیرو های افغان در ولسوالی بغلان جدید ولایت بغلان به شدت زخمی گردیدند.
- بتاريخ ۲۶ فبروری سه نفر از غیر نظامیان در یک حمله شبانه در ولسوالی ترنک و جلدک ولایت زابل کشته شد.
- بتاريخ ۱۵ فبروری در ولسوالی ناوه بارکزی ولایت هلمند چهار تن از غیر نظامیان در یک حمله شبانه کشته شدند.
- بتاريخ ۱۵ فبروری در ولایت هلمند دو تن از غیر نظامیان از اثر حمله شبانه در ولسوالی موسی قلعه کشته شدند.

بعضی اوقات عواقب حملات شبانه منجر به تظاهرات خشونت بار و اغتشاشات می گردد. بتاريخ ۱۸ می در شهر تالقان ولایت تخار پولیس با یک جمعیت بیشتر از ۱۰۰۰ نفر ملکی که علیه یک حمله شبانه که توسط نیروهای ویژه امریکایی راه اندازی شده بود مواجه گردید، درین واقعه دو زن مسلح که گفته می شود اعضای نهضت اسلامی ازبکستان بودند کشته شدند. جمعیت مذکور، همچنان، توسط انتشار شایعاتی مبنی بر اینکه نیرو های امریکایی بالای زنان مذکور قبل از کشته شدن تجاوز جنسی کرده اند به خشم آمده بودند. جمعیت به دفتر ولسوال نزدیک شد و پولیس فیر های اختطاریه نمود. با دیدن این که جمعیت مذکور پراکنده نمی شود، پولیس ملی بالای جمعیت متذکره آتش گشود که دست کم ۱۴ غیر نظامی کشته و ۷۹ تن دیگر زخمی گردیدند. جمعیت مذکور بعداً بالای یک قرارگاه جرمنی که در نزدیکی آن محل قراردادش حمله آوردند که تا زمان رسیدن اردوی ملی افغان به محل، پراکنده نشد.

پولیس ملی افغان برای کنترل جمعیت، طور لازم آموزش نشده و مجهز نمی باشند. بدون چنین آموزش و گزینه های غیر مهلک، پولیس غالباً به فیر های اختطاریه متوسل می شود که به تعقیب آن بالای جمعیت مردم، آتش می گشاید. درین موارد تنها در شش ماه اول ۲۰۱۱ حد اقل ۲۵ غیر نظامی توسط پولیس ملی در جریان عملیات های کنترل جمعیت، کشته و ۱۵۹ تن دیگر زخمی گردیدند. یوناما از میزان بالای تلفات افراد ملکی در حادثات مربوط به کنترل جمعیت نگران می باشد. با آنکه این کشته ها، مرگ های مستقیماً مرتبط با جنگ که شامل تمام ارقام تلفات ملکی درین گزارش گردیده، نیستند. اما نیاز فوری می باشد تا دولت افغانستان و پولیس ملی این مشکل را به شکل مناسب رفع نموده تا تلفات ملکی و شمار زخمی شده گان را که از اثر استفاده مفراط و نامناسب نیروها بوجود می آید، کاهش یابد.

این بسیار مهم هست که پولیس ملی افغان با وسایل مناسب جهت کنترل شورش مجهز گردد. وسایل کنترل جمعیت و آموزش مناسب در استفاده قانونی از سلاح های کشنده و غیر کشنده بدیل دریافت گردد.

⁵⁶. نشر اخبار آیساف، دفتر مرکزی نیروی کمک امنیت بین المللی، "آیساف رهنمود در مورد حملات شبانه در افغانستان صادر میکند،" ۴ مارچ ۲۰۱۰

جنگ های زمینی و درگیری های مسلحانه

از اثر جنگ زمینی توسط نیرو های طرفدار دولت مدام غیر نظامیان کشته می شوند.^{۵۷} یوناما ۶۶ کشته ای ملکی را که از اثر افزایش در تعداد واقعات جنگ مسلحانه و انداخت غیر مستقیم توسط اسلحه ای مانند هاوان برای حمایت از نیرو های پیاده بوجود آمده، ثبت نموده است. جنگ زمینی غیر نظامیان را کشته و زخمی نموده، ملکیت ها را که شامل خانه می شود نابود ساخته و باعث بیجایی غیر نظامیان می گردد.

- بتاريخ ۲۰ فروری مادر، پدر و چهار طفل شان وقتی کشته شدند که خانه شان توسط مرمی هاوان ۱۲۰ ملی متری هدف قرار گرفت و دو طفل دیگر شان زخمی گردید. نیرو های نظامی بین المللی، یک گروه از عناصر مظنون ضد دولتی را که به باور آنان ماین را جاسازی می نمودند، هدف قرار داده بود. پدر این خانواده محافظ امنیتی در قرارگاه محلی قوت های بین المللی بود.
- بتاريخ ۲۸ مارچ یک پدر و دخترش کشته شده و یک مرد کلان سال زمانی زخمی شد که یک مرمی هاوان آیساف منزل آنان را در ولایت هلمند در جریان یک جنگ مسلحانه با عناصر ضد دولتی، آماج قرار داد.
- بتاريخ ۲۷ می در ولایت هلمند یک دهقان که از آبیاری زمین به خانه خود برمی گشت و با یک شورشی به اشتباه گرفته شده بود توسط گزمه آیساف بالای وی فیر صورت گرفت. دهقان متذکره بیل را در منطقه که طالبان از آن ساحات استفاده می کردند، باخود حمل می کرد.

عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون (ایسکلشن اف فورس)

بعد از یک دهه، نیرو های طرفدار دولت هنوز هم غیر نظامیان افغان را در مکان های تلاشی و قطارهای نظامی کشته و زخمی می نمایند با آنکه این تعداد در حال کاهش است. در شش ماه نخست ۲۰۱۱ از اثر عکس العمل نیرو در مقابل یک پدیده مظنون، مجموعاً ۳۰ تن از غیر نظامیان کشته و ۱۴ تن دیگر زخمی گردیدند، که بیشتر در جنوب کشور رخ داده است. در جریان همین مدت در ۲۰۱۰ بر اساس کشفیات یوناما، ۳۶ غیر نظامی کشته و ۳۶ تن دیگر از اثر این حادثه مجروح گردیده بود که ۱۷ درصد کاهش را در شمار کشته شدگان غیر نظامی در مقایسه عین مدت سال ۲۰۱۰ نشان می دهد.

یوناما به آیساف پیشنهاد می نماید که بدیل استفاده از نیروی مرگ بار، عدم درگیری می باشد. طبق طرز العمل های عملیاتی معیاری ۳۷۳ آیساف در رابطه به تاکتیک عکس العمل نیرو در مقابل پدیده مظنون یا ایسکلشن اف فورس، ابزارهای اساسی برای نقاط کنترل توسط آیساف و کمر بند های امنیتی شامل علامات توقف، علامات اختطاریه، موانع سرعت، پاره کننده های تایلر و سایر، فشنگ، مخروط های ترافیکی، و بلند گوی دستی می باشد.^{۵۸}

آیساف باید اقداماتی را روی دست گیرد تا اطمینان حاصل گردد که تمام محلات تلاشی با وسایل بدیل غیر مهلک تجهیز گردیده و نیرو ها بخاطر استفاده درست و قانونی آن باید آموزش ببینند.

⁵⁷ یوناما "جنگ زمینی" و "جنگ های مسلحانه" را طوری تعریف می کند که کشته شده گان افراد ملکی و مجروحین افراد ملکی را از اثر فیر مستقیم یا فیر غیر مستقیم که از نیرو های زمینی سرچشمه میگیرد که مرتکب آن قابل شناسایی می باشد، شامل می گردد. تبادل آتش در تحت کتگوری غیر قابل نسبت قرار می گیرد.

⁵⁸ دگرمن گلبرت اورمات، "عمل مهمتر از حرف می باشد: عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون یا ایسکلشن اف فورس و تلفات ملکی، مجله آیساف در مورد مبارزه علیه شورشیان، جلد ۱، موضوع ۱، فروری ۲۰۱۰، دسترسی بدان: 10.pdf. www.isaf.int/COIN--publication/feb

یوناما همچنان توصیه می نماید تا آیساف دور جدیدی از تبلیغات معلوماتی را از طریق رادیو راه اندازی نماید و همه غیر نظامیان افغان از محلات تلاشی و طرز العمل ها گشت زنی قطار ها آگاهی لازم حاصل نمایند.

- بتاريخ ۱۷ اپریل، دو مسافر در یک موتر ملکی در ولسوالی میوند ولایت کندهار توسط فیر سلاح نیرو های نظامی بین المللی حینیکه نزدیک به علامت توقف، توقف نمودند، زخم برداشتند.
- بتاريخ ۲۹ اپریل در ولسوالی میوند ولایت کندهار نیرو های نظامی بین المللی یک راننده موتر سایکل ملکی را که به قطار نزدیک شده بود توسط فیر سلاح زخمی نمودند.

- بتاريخ ۷ مارچ در ولسوالی قلات ولایت زابل نیرو های نظامی بین المللی یک موتروان ملکی را توسط فیر سلاح بعد از این که دساتیر نظامی را تعقیب نموده نتوانست به قتل رسانیدند.

- بتاريخ ۲۹ می ۲۰۱۱ در شهر لشکر گاه ولایت هلمند اردوی ملی بالای یک موتروان که کنترل واسطه خودش را از دست داده و به سرعت زیاد از پسته امنیتی کارته لگان عبور کرد، آتش گشودند که باعث کشته شدن موتروان و زخمی شدن شخص دیگر گردید.

- بتاريخ ۱۴ مارچ در ولسوالی ترینکوت ولایت ارزگان، پولیس یک مرد ملکی را توسط فیر، بعد از اینکه وی نتوانست اشارات توقف را در نظر گیرد، زخمی ساخت. واقعه مشابه بتاريخ ۱۴-۱۵ جون ۲۰۱۱ در شهر لشکر گاه ولایت هلمند زمانیکه پولیس ملی توسط فیر یک موتروان ملکی را به قتل رسانید رخ داد.

بتاریخ ۲ می در شهر غزنی، نیروهای نظامی بین المللی با فیر، موتروان را بعد از اینکه نتوانست هدایت که با اشارات دست توسط قطار نظامی صورت می گرفت را در نظر بگیرد به قتل رساند.

ضمیمه ۱

ماه می مرگبارترین ماه برای افراد ملکی افغان

کابل - ۱۱ جون ۲۰۱۱: ماه می ۲۰۱۱ مرگبارترین ماه برای غیر نظامیان افغان از سال ۲۰۰۷ به این طرف بود، این موضوع توسط هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) اظهار گردید. یوناما کشته شدن ۳۶۸ غیر نظامی و زخمی شدن ۵۹۳ تن دیگر را در ارتباط با جنگ، در ماه می به ثبت رسانیده است.

جورجیت گنیون رئیس حقوق بشر یوناما اظهار داشت: "در مقایسه با سایر ماه ها از سال ۲۰۰۷ میلادی به این طرف زمانیکه یوناما ثبت تلفات غیر نظامیان را آغاز نموده بود، بیشترین غیر نظامیان در ماه می کشته شده اند."

وی نیز افزود: "از اینکه رنج غیر نظامیان در فصل تابستان که جنگ معمولاً بیشتر می گردد، زیاد می شود، نهایت نگران می باشیم، جوانب در گیر حالا باید مساعی خود را برای محافظت از غیر نظامیان ازدیاد بخشند."

عناصر ضد دولتی مسؤل کشته شدن ۳۰۱ تن غیر نظامی (۸۲ درصد تمام کشته شدگان ملکی در ماه می) می باشند.

قتل ۴۵ نفر از غیر نظامیان (۱۲ درصد تمام کشته شدگان ملکی در ماه می ۲۰۱۱) به نیرو های طرفدار دولت نسبت داده شده است. ۲۲ کشته یا ۶ درصد کشته شدگان غیر نظامی در ماه می ۲۰۱۱ نمی تواند به شکل مشخص به اطراف در گیر نسبت داده شود زیرا که این تعداد در اثر تبادل آتش از بین رفته اند.

مواد منفجره کارگذاری شده باعث بیشترین تلفات غیر نظامیان افغان در ماه می بوده است که جان ۱۱۹ تن را گرفته و باعث زخمی شدن ۲۷۴ تن غیر نظامی (که ۴۰ درصد از مجموع کشته شدگان ملکی که به عناصر ضد دولتی نسبت داده می شود را تشکیل می دهد) گردیده است. این مواد منفجره کارگذاری شده باعث ۴۱ درصد تمام تلفات ملکی در ماه می، گردید. تعداد زیاد از مواد منفجره کارگذاری شده در افغانستان مابین های فشاری می باشند که ماهیتاً بدون تبعیض سبب تلفات می گردد. این گونه مابین ها غالباً در کنار جاده ها و ساحات مزدحم تجارتي جابجا می شوند که باعث تلفات ملکی می گردد. استفاده وسیع آن توسط نیرو های مخالف دولت، ناقض نورم های حقوق بشردوستانه بین المللی می باشد.

جنگ زمینی توسط نیرو های طرفدار دولت شش درصد تمام کشته شدگان غیر نظامیان را در ماه می تشکیل می دهد.

تلفات ملکی که به جنگ های زمینی نسبت داده می شود از زمان آغاز حملات بهاری طالبان در حال افزایش بوده است. حملات هوایی سه درصد تمام کشته های ملکی را در ماه می تشکیل می دهد.

یوناما گزارش شش ماه اول سال را که در مورد محافظت از غیر نظامیان می باشد، در اوایل جولای آماده می سازد که وسعت مسؤلیت های تلفات ملکی را طی شش ماه اول سال ۲۰۱۱ به تفصیل مستند می سازد. اما ازینکه ماه می مرگبارترین ماه برای غیر نظامیان از سال ۲۰۰۷ به این طرف محسوب می شود، یوناما این بیانیه موقتی را در رابطه به محافظت از غیر نظامیان منتشر می نماید.

اعلامیه امارت اسلامی افغانستان در پاسخ به اعلامیه یک جانبه یوناما در مورد تلفات ملکی

یکشنبه، ۱۲ جون ۲۰۱۱

دفتر سیاسی سازمان ملل یعنی یوناما در گزارش خود اظهار داشته که تلفات که در ماه می ۲۰۱۱ به غیر نظامیان وارد گردیده با چهار سال گذشته قابل مقایسه نمی باشد. گزارش اظهار می دارد که ۳۶۸ تن غیر نظامی کشته و ۵۹۳ تن دیگر درین ماه زخمی گردیده اند. و ۸۲ درصد این کشته شدگان (۳۰۱ تن) به مجاهدین نسبت داده می شود و فقط ۱۲ درصد آن (۴۵ تن) به متجاوزین و رژیم دست نشاندۀ ایشان نسبت داده می شود و فقط ۳ درصد این تلفات به حملات هوایی نیروهای به اصطلاح محافظین صلح نسبت داده میشود. در اخیر، یوناما از مجاهدین و جوانب مخالف آن درخواست بعمل آورده تا توجه لازم را در جلوگیری از تلفات ملکی بکار ببرند.

مایه تأسف است که با وجود ادعای مکرر بیطرفی، ملل متحد پالیسی یک جانبه را نه تنها در مورد تلفات ملکی بلکه در ارتباط به جنبه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و نظامی مناقشات جاری در افغانستان تطبیق می نماید، آنها ظرف ده سال گذشته از استعمار گران جانبداری کرده و بدبختانه که به این کار خود دوام داده که گزارش موصوف گواه روشنی بر ادعای ما می باشد. معلوم می شود که مشابه به جنرال های امریکایی و قوماندانان شان، مقامات یوناما نیز از تحلیل وضعیت فعلی افغانستان عاجز می باشد بویژه ارزیابی جنگ مسلحانه، چنانچه فرمانده امریکایی جنرال پتریوس، که بر مبنای قضاوت غلط خود در مورد واقعه خونین غازی آباد که منجر به کشته شدن ۷۰ نفر ملکی که بیشترین شان اطفال بودند اظهار داشته بود که "افغان ها اطفال خود را قصداً کشته و سوزانیده اند تا رقم تلفات ملکی را در بمباردمان امریکایی بلندتر نشان دهند".

مقامات یوناما درینجا یک بار دیگر فراموش کرده که بمباردمان کور کورانه متجاوزین در ولسوالی دوآب ولایت نورستان که منجر به متأثر ساختن ۳۰۰ نفر گردید طوریکه توسط شاهدان عینی و اعضای پارلمان آن ولایت اظهار گردید که بیشترین شان غیر نظامیان بویژه زنان و اطفال بودند. علاوه بر واقعه دوآب، شماری از شهدا و زخمی های ملکی افغان که توسط متجاوزین در ماه می در هر گوشه از مملکت به شهادت رسیده است چندین برابر از رقمی است که یوناما در گزارش خود تذکر داده است. می خواهیم که در سطور پایین تصویرنمونه ای را ارائه نماییم که با ارقام بی اساس، خیالی و دستوری یوناما و اداره کابل مشابهت نداشته بلکه به اساس شواهد با معلومات مفصل در مورد موقعیت، تاریخ، زمان و سائر معلومات مرتبط بنا یافته است.

بتاریخ اول می، در ساحه فندی ولسوالی برکی برک ولایت لوگر، دو طفل توسط فیر امریکایی ها شهید و سه زن زخمی گردیده بودند. بتاریخ دوم می، در قریه اومرزو ولسوالی سنگ آتش ولایت بادغیس، در یک حمله نظامی یک رهبر قومی شهید و دو نفر دیگر توقیف گردیدند. بتاریخ ششم می در یک ساحه از ولسوالی رباط سنگی ولایت هرات یک شخصیت با اعتبار مذهبی (سید حاجی گل جان آغا) که هزاران پیرو و وفادار داشت از خانقای وی بیرون کشیده شده و بعد به شهادت رسانیده شده بود. در شب ۱۴ می در قریه لجگر ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار یک پسر بچه ۱۰ ساله (بلال فرزند اول گل) که خواب بود توسط فیر به قتل رسانیده شد. بتاریخ ۱۶ می از طرف شب، متجاوزین یک طفل را در ولسوالی غازی آباد ولایت کنر کشته و سه تن دیگر را زخمی نموده بودند. یک بار دیگر بتاریخ ۱۶ می در قریه عبدالرحیم ولسوالی اندر ولایت غزنی، بمب بالای غیر نظامیان پرتاب گردید که باعث شهید شدن سه تن و زخمی شدن پنج تن دیگر گردید. در ۱۸ می توسط حمله شبانه در قریه سیدان، منطقه لنگر، در ترینکوت ولایت زابل، متجاوزین پنج فرد ملکی را کشتند در حالیکه ۱۴ نفر دیگر را در تحت توقیف قرار دادند. بتاریخ ۱۸ می، متجاوزین پنج تن را که شامل زنان بودند در ساحه آهن دره، سه کیلومتر دورتر از تالقان در ولایت تخار به قتل رسانیدند. در پاسخ به این واقعه مردم محلی تظاهرات مردمی را به عنوان اعتراض و گرد هم آیی راه اندازی نمودند که لشکر دموکراسی ۱۳۵

تن را کشته و زخمی ساختند. بتاريخ ۱۹ می، در قریه میروی ساحه ساروان کله ولسوالی سنگین ولایت هلمند، سه ملکی توسط متجاوزین کشته شدند. نیروهای متجاوز بالای موترهای عروسی در شب بیستم می در ساحه لوره ولسوالی سنگین ولایت هلمند حمله کردند که منجر به شهادت یک عالم با اعتبار مذهبی شیخ الحدیث به اسم مولوی نور آغا گردید درحالیکه ۶ نفر ملکی دیگر زخمی گردیدند. در یک حمله بتاريخ بیستم می، در ساحه دلکی سرخ ولسوالی بوم ولایت بادغیس متجاوزین سه فرد ملکی را کشتند درحالیکه سه تن دیگر را توقیف نمودند. در همین تاریخ در یک حمله در حوالی ولسوالی دیش مرکز ولایت هلمند عساکر اشغال گر، حاجی دین محمد اکا را درحالیکه دخترخورد سن وی را با فیر مرمی کشتند توقیف نمودند. بتاريخ ۲۵ می در ولسوالی دوآب ولایت نورستان از اثر بمباردمان هوایی اشغال گران، ۳۰۰ تن ملکی زخمی و کشته شدند که توسط اعضای پارلمان ولایت نورستان در اداره کابل تأیید گردید. بتاريخ ۲۹ می در ساحات بازار سلام ولسوالی نوزاد ولایت هلمند، دو منزل هدف بمب قرار گرفت که منجر به کشته شدن ۱۴ تن اطفال و زنان و زخمی شدن بعضی دیگر گردید. بتاريخ ۳۱ می، در قریه بادام ساحه اوناخی ولسوالی سید آباد ولایت میدان- وردک در یک حمله توسط نیروهای امریکایی یک زن کشته و یک مرد زخمی و ۲۰ تن ملکی افغان توقیف گردیدند. درین حمله برعلاوه تلفات، خساراتی به ملکیت های مردم وارد آمده و بر طبق اظهارات شاهدان عینی، هفت موتر، سه خانه، و یک مدرسه علوم دینی مردم بکلی منهدم گردید. برعلاوه معلومات فوق مستند، یوناما تنها ۱۲٪ تلفات ملکی را به عملیات اشغال گران و رژیم دست نشاندۀ شان و تنها ۳٪ تلفات را به اصطلاح به نیروهای محافظت صلح نسبت داده است.

امارت اسلامی افغانستان مکرراً به ملل متحد، سازمان های مدافع حقوق بشر و جانب مخالف پیشنهاد داده است که بیاید و گامهای قاطع برای تحقیق تلفات ملکی، جلوگیری از آن، شناسایی مرتکبین و درعوض سخن طولانی درین مورد، اقدامات عملی را برای جلوگیری از آن روی دست گیریم. بدبختانه، علاوه بر اعلام مکرر و پیشنهادات امارت اسلامی هیچ سازمان یا دفتر پاسخ نه گفته است. این طور به نظر می رسد که چیزی عقب پرده پنهان می باشد. این گزارش و سائر گزارشات که در مورد تلفات ملکی منتشر گردیده توسط سفارت ایالات متحده امریکا و حلقات استخباراتی آن تمویل میگردد و فقط یک پروژه تبلیغاتی و غیر اخلاقی می باشد که بخاطر فریب افغان ها و جامعه بین المللی بکار گرفته شده است. لیکن باید بفهمند که مردم افغانستان از اهداف شوم اشغال گران بویژه اتهامات بی اساس که مرتبط به تلفات ملکی بالای مجاهدین است آگاه می باشد. زیرا که مردم عملاً قربانی انواع مختلف جرایم و اعمال نیروهای مسلح محافظین صلح می باشند و همه چیز را با چشم خود می بینند و ناممکن است که مردم را فریب دهند. در اخیر، لازم است تذکر دهیم که ارقام تلفات ملکی را با تفصیل مربوطه آن که توسط اشغال گران در ماه می ارتکاب گردیده بود با ارائه سند، زمان و محل دقیق آن شناسایی و ارائه کردیم بناءً یوناما جهت وضاحت اینکه آیا حقیقت میگوید یا فقط به نفع تمویل کنندگان تبلیغ می کند مهربانی کرده ثابت و منتشر کند که چطور، چگونه و در کجا ۸۰٪ تلفات ملکی توسط مجاهدین اتفاق افتیده است.

پاسخ یوناما به اعلامیه ۱۲ جون ۲۰۱۱ امارت اسلامی افغانستان در پاسخ به بیانیه ۱۱ جون ۲۰۱۱ یوناما در مورد تلفات ملکی

یوناما ۱۵ قضیه تلفات ملکی که در بیانیه ۱۲ جون امارت اسلامی مطرح گردیده بود را مرور نموده و پاسخ ذیل را ارائه می نماید:

۱. "بتاریخ اول می در ساحه فندی ولسوالی برکی برک ولایت لوگر دو طفل توسط فیر امریکایی شهید و سه زن زخمی گردیدند".

الف. یوناما قضیه را که در گزارش هفته وار یوناما آمده بود بررسی کرد.

ب. تحقیق ساحوی نشان داد که سه دختر به سنین ۸، ۱۳ و ۱۶ کشته و دو ملکی (مادر و برادر سه خواهر) توسط مرمی هاوان زخمی گردیدند.

ج. مرتکب تلفات ملکی در این حادثه نامعلوم.

۲. "بتاریخ ۲ می، در قریه عمرزو ولسوالی سنگ آتش ولایت بادغیس در یک حمله نظامی یک تن از سران قومی شهید و دو تن دیگر توقیف گردید".

الف. واقعه توسط هیچ منبعی گزارش نگردید.

ب. دفتر ساحوی از تحقیق واقعه بخاطر دور بودن موقعیت آن با توجه به محدودیت دسترسی به ساحه و پوشش تلفونی عاجز بود.

۳. "بتاریخ ۶ می، در یک ساحه در ولسوالی رباط سنگی ولایت هرات، یک شخصیت مشهور مذهبی (سید حاجی گل جان آغا) که هزاران مرید و پیرو داشت را از خانقاهش کشیده و بعدتر شهید ساخته اند".

الف. این واقعه درین روز گزارش داده نشده و احتمالاً که در روز های دیگر گزارش داده شد.

ب. مقامات محلی دولتی گزارش دادند که شخص موصوف توسط نیروهای همکار با دولت کشته شد چون با طالبان رابطه داشت. ملکی بودن شخص کشته شده نامعلوم می باشد.

۴. "در شب ۱۴ می، در قریه لجر ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار یک طفل ۱۰ ساله (بلال فرزند اول گل) که در حالت خواب بود با فیر مرمی به قتل رسید".

الف. گزارش مورد بررسی قرار گرفته و در گزارش هفته وار یوناما گزارش داده شد.

ب. تحقیق ساحوی دریافت که پسر بچه ۱۵ ساله توسط نیروهای بین المللی در جریان حمله شبانه کشته شد.

۵. "بتاریخ ۱۶ می، هنگام شب، متجاوزین یک طفل را در ولسوالی غازی آباد ولایت کنر کشته و سه تن دیگر را زخمی ساختند".

الف. گزارش بررسی و در گزارش هفته وار یوناما گزارش داده شد.

ب. تحقیقات ساحوی دریافت که یک راکت توسط نیروهای نظامی بین المللی فیر گردیده که باعث کشته شدن یک طفل (دختر) و زخمی شدن سه طفل دیگر (دختران) گردید.

۶. "یک بار دیگر بتاریخ ۱۶ می در قریه عبدالرحیم ولسوالی اندر ولایت غزنی، بالای مردم ملکی پرتاب بمب صورت گرفت که به شهادت سه تن و زخمی شدن پنج تن دیگر انجامید".

الف. گزارش بررسی و در گزارش هفته وار یوناما گزارش داده شد.

ب. تحقیقات ساحوی نشان می دهد که از اثر تبادل آتش بین نیروهای نظامی بین المللی و عناصر ضد دولتی یک مرد کلان سال کشته شده، یک مرد کلان سال و دو طفل زخمی گردیدند. مرتکبین قتل و جرح نامعلوم است.

۷. "بتاریخ ۱۸ می در یک حمله هوایی در قریه سیدان، ساحات لنگر در ترینکوت ولایت اروزگان اشغال گران ۵ طفل را کشتند درحالیکه ۱۴ تن دیگر توقیف گردیده اند".
الف. واقعه توسط هیچ منبعی گزارش نگردیده است.
ب. دفاتر ساحوی، تحقیق را آغاز کرده که هم اکنون جریان دارد و گزارش تلفات ملکی را درین مقطع از زمان تأیید کرده نمی تواند.
۸. "بتاریخ ۱۸ می، اشغالگران پنج تن را که زنان هم در آن شامل بودند در ساحه آهندره، به مسافت ۳ کیلومتر از تالقان ولایت تخار کشتند. در پاسخ به این واقعه مردم محلی اعتراض کردند و به راه پیمایی پرداختند که لشکر دموکراسی ۱۳۵ تن ملکی را کشته و زخمی ساخت."
الف. واقعه در گزارش هفته وار یوناما گزارش داده شد.
ب. تحقیقات ساحوی در این حمله شبانه چهار نفر کشته شده، که دو مرد و دو زن را شامل می شد، تأیید نموده است، ۱۴ کشته و ۷۹ زخمی در جریان تظاهرات را تأیید نموده است.
۹. "بتاریخ ۱۹ می، در قریه میرو ساحه ساروان کلا، ولسوالی سنگین ولایت هلمند سه فرد ملکی توسط اشغالگران کشته شدند."
الف. واقعه توسط هیچ منبعی گزارش داده نشد.
ب. دفتر ساحوی تحقیقی را آغاز کرده که هم اکنون جریان دارد، اما تلفات افراد ملکی را حالا تأیید کرده نمی تواند.
۱۰. "نیرو های اشغالگر بالای قطار از موترهای عروسی در شب ۲۰ می در لواره ولسوالی سنگین ولایت هلمند آتش گشود که باعث شهادت شخصیت با اعتماد مذهبی شیخ الحدیث، مولوی نور آغا گردید در حالیکه ۶ تن ملکی دیگر زخمی گردید."
الف. واقعه توسط هیچ منبعی گزارش نگردید.
ب. دفتر ساحوی تحقیقی را آغاز کرده که هم اکنون جریان دارد، اما تلفات افراد ملکی را حالا تأیید کرده نمی تواند.
۱۱. "در یک حمله بتاریخ ۲۰ می در ساحه دلکی سرخ ولسوالی دره بوم ولایت بادغیس اشغالگران سه فرد ملکی را کشته در حالیکه سه تن دیگر را توقیف کردند."
الف. واقعه توسط هیچ منبعی گزارش نگردید.
ب. دفتر ساحوی قادر نیست تا واقعه را بخاطر دور بودن موقعیت آن با توجه به محدودیت دسترسی به ساحه و پوشش تلفونی تأیید نماید.
۱۲. "در عین تاریخ در یک حمله در نزدیکی های مرکز ولسوالی دیش ولایت هلمند، عساکر اشغالگر حاجی دین محمد اکا را توقیف در حالیکه از اثر فیر دختر کوچکش را می کشد."
الف. واقعه توسط هیچ منبعی گزارش نگردید.
ب. دفتر ساحوی تحقیقی را آغاز کرده که هم اکنون جریان دارد، اما تلفات افراد ملکی را حالا تأیید کرده نمی تواند.
۱۳. "بتاریخ ۲۵ می، در ولسوالی دوآب ولایت نورستان در نتیجه بمباردمان هوایی اشغالگران، ۳۰۰ نفر ملکی زخمی و کشته شدند که توسط اعضای پارلمان ولایت نورستان در اداره کابل تأیید گردید."
الف. واقعه گزارش گردید و به بخشی از آن رسیدگی گردید.
ب. ارقام تلفات وسیعاً فرق داشته و تحقیقات دفاتر ساحوی در زمینه دوام دارد. اکنون یوناما خاطر نشان می سازد که احتمال دارد که تلفات ملکی اتفاق افتیده باشد و شمار تلفات ملکی را که توسط مقامات ولایتی ارائه گردیده احتمالاً (۱۸ ملکی کشته شده به

شامل زنان و اطفال و ۳۰ فرد ملکی زخمی) گردیده اند. همچنان احتمال دارد که شمار تلفات ملکی بلندتر باشد مگر یوناما آنرا تا این تاریخ تأیید کرده نمی تواند.

۱۴. "بتاریخ ۲۹ می در ساحه سلام بازار ولسوالی نوزاد ولایت هلمند دو منزل هدف بمب قرار گرفت که منجر به کشته شدن ۱۴ طفل و زن و زخمی شدن بعضی دیگر گردید".

الف. واقعه گزارش داده شد و به آن رسیدگی گردید.

ب. تحقیقات ساحوی دریافت که ۱۲ تن ملکی کشته شدند که (شش طفل و دو زن) را شامل میشد و حد اقل هشت نفر زخمی گردید (بشمول دو طفل و یک زن).

۱۵. "بتاریخ ۳۱ می، در قریه بادام، ساحه اوناخی ولسوالی سید آباد ولایت میدان وردک در یک حمله نیروهای امریکایی یک زن کشته، یک مرد زخمی و ۲۰ تن ملکی توقیف گردید".

الف. واقعه گزارش داده شد و به آن رسیدگی گردید.

ب. بر اساس تحقیقات ساحوی یک زن کشته شده و یک ترجمان (مرد) زخمی گردید.

گزارش یوناما، ۱۹ جون ۲۰۱۱